

بازی جنگ

مبتهی بر روند احتمالات

برای تبیین

آیین متجاوز

۱

دکترین استراتژیکی نظامی آمریکا

علیه ایران

خرداد ۱۳۹۶



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

بازی جنگ

مبتنی بر روند احتمالات

برای تبیین

آیین متجاوز

۱

دکترین استراتژیکی نظامی آمریکا

علیه ایران

خرداد ۱۳۹۶



دکترین استراتژیکی نظامی آمریکا علیه ایران

- خردادماه ۱۳۹۵

- به‌روزرسانی سالانه: خردادماه ۱۳۹۶

فهرست

مقدمه.....	۱
بازی جنگ نظامی.....	۳
آیین نظامی متجاوز.....	۷
روند جنگ آزمایی.....	۱۱
- اخذ اجماع جهانی و منطقه‌ای.....	۱۹
- ابتدا تضعیف، سپس حمله.....	۲۲
- مطالبه‌ی فرصت.....	۲۶
- عملیات نیابتی نظامی.....	۲۸
- کاهش هزینه‌ی جنگ نظامی.....	۲۹
- کاهش زمان درگیری نظامی (تنگه‌ی زمانی).....	۳۵
- حفظ ابتکار عمل در مدیریت سطوح گوناگون منازعه نظامی.....	۳۶
- حفظ ابتکار عمل در مدیریت تشدید و خامت.....	۳۹
سناریوهای اقدام.....	۴۳
سناریوهای محتمل.....	۴۵
پیوست‌ها.....	۴۹
ناتوی غربی.....	۵۱
ناتوی عربی.....	۵۳

اطلاعات استراتژیک در صدد تبیین دو پرسش اساسی است:

۱- دشمن چگونه می‌اندیشد؟

۲- دشمن درباره‌ی ما چگونه می‌اندیشد؟

آن‌گاه که در برابر این دو پرسش، پاسخ قطعی یافت شد، عملاً استراتژی دشمن تبیین گردیده است. در این مرحله باید به استراتژی دشمن حمله‌ور شد؛ اما برای حمله به استراتژی دشمن، همواره باید «اشراف اطلاعاتی» را حفظ نمود.

اشراف اطلاعاتی به دو بخش «اشراف اطلاعاتی منفعل» و «اشراف اطلاعاتی فعال» تقسیم می‌شود. اشراف اطلاعاتی فعال محصول شناخت آینده، از راه بررسی روند تحولات، در «تئوری بازی‌ها» است.

در بررسی روند احتمالات، باید سه گام اساسی (به‌گونه‌ای مستمر) برداشته شود تا از سه غفلت ممانعت شود:

۱- غفلت از نیت دشمن: ابتدا نیت دشمن بررسی و ارزیابی شود. گاهی نیت دشمن مخفی است و هنوز افشا نشده است. گاهی نیت دشمن افشا شده است اما یک نیت ایزدایی و انحرافی است، و هنوز نیت اصلی او کشف نشده است. از این‌رو بررسی و ارزیابی و تدقیق نیت دشمن همواره باید انجام شود.

۲- غفلت از توان دشمن: در گام دوم، باید توان اقدام دشمن برای انجام نیت موردنظر او، ارزیابی و سنجش شود. گاهی دشمن نیتی دارد، اما توان اجرای آن را ندارد؛ یعنی نیت او در حد آرزو است. انطباق نیت و توان دشمن، به معنی عملیاتی شدن خواسته‌ی او است. غفلت از این مرحله، به معنی غافل‌گیری در برابر اقدام دشمن است.

۳- غفلت از اراده‌ی دشمن: در گام سوم، باید رفتار دشمن را برای اجرای نیت او رصد نمود و زیر نظر داشت. او اکنون مترصد زمان مناسب است.

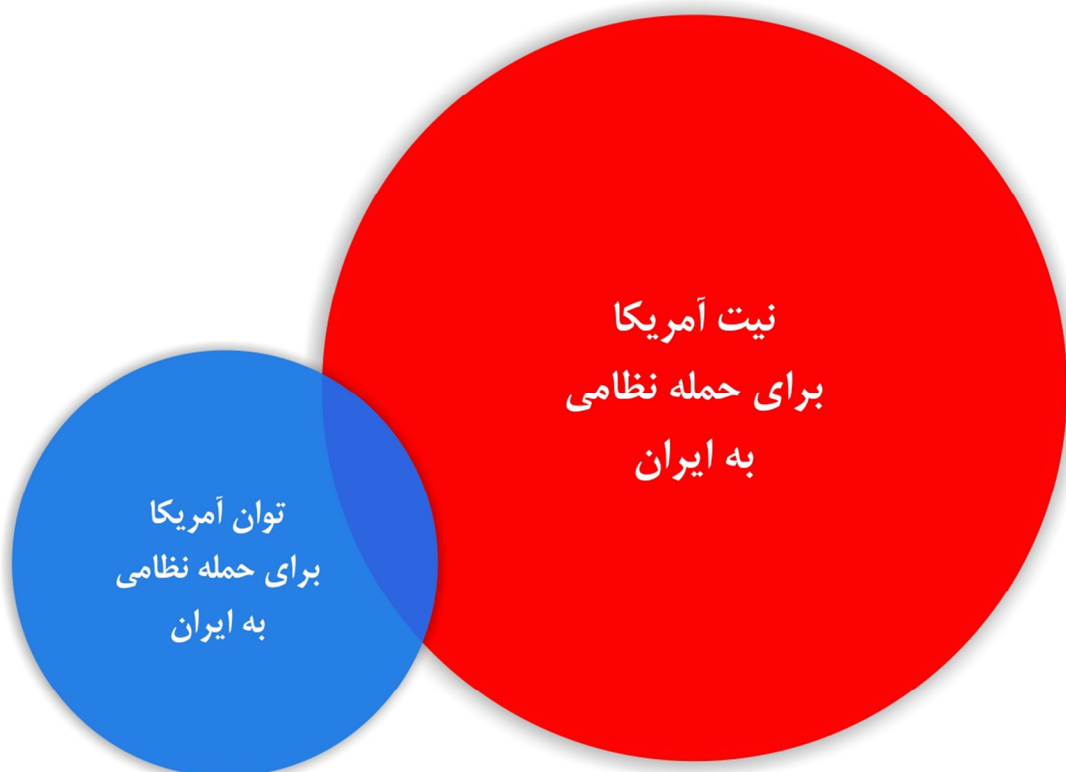
مبتنی بر این روند، بازی جنگ انجام می‌شود. هدف از انجام بازی جنگ، تبیین آیین متجاوز است. تبیین آیین متجاوز، بخشی از روند تحقق «اشراف اطلاعاتی» هوشمند محسوب می‌شود.

بازی جنگ نظامی

بازی جنگ نظامی

مسأله

آمریکا، سالها است که برای جنگ نظامی با ایران به تصمیم رسیده است. او مدعی است که گزینه‌های نظامی او روی میز است؛ اما پرسش این است که چگونه می‌خواهد آن را محقق کند؟ هرچند که برخی از سناریوهای نرم و سخت و نیمه‌سخت آن مشخص است، اما کماکان پاسخ این پرسش مبهم است. برای پاسخ به این پرسش، انجام بازی جنگ نظامی ضروری است.



هدف

انجام بازی جنگ نظامی برای تبیین آیین متجاوز، به منظور :

- الف- شفاف نمودن این پرسش که «آمریکا چگونه جنگ نظامی را علیه ایران محقق می‌کند؟»
- ب- اصلاح و روزآمدی دکرین‌های عملیاتی نظامی جمهوری اسلامی، در مواجهه با آیین متجاوز.

مقصود

اجرای بازی جنگ نظامی در سطح امنیت ملی، بین آمریکا و ایران، برای :

- الف- تقویت و آمادگی ذهنی دانشجویان دکترینولوژی و علوم استراتژیک.
- ب- بهره‌گیری از نتایج این بازی در سطح امنیت ملی، به عنوان یک پیش‌نیاز در روش و الگو، در بازی جنگ نظامی، بازی جنگ اقتصادی، بازی جنگ سیاسی و بازی جنگ فرهنگی.

ملزومات علمی

اشراف و احاطه بر رویکردهای گوناگون طرح‌ریزی استراتژیک، به ویژه :

- الف- احاطه بر سطوح اقدام.
- ب- اشراف بر مدیریت وخامت اوضاع و مکعب بحران.
- پ- اشراف بر مدیریت روند امنیت.
- ت- احاطه بر دکترین اقدام نامتقارن مثبت.

ملزومات اطلاعاتی

- الف- اشراف بر دکترین‌های نظامی متجاوز (برگرفته از اندیشکده‌های رژیم متجاوز و سخنان رهبران رژیم متجاوز) به ویژه احاطه بر دکترین‌های نظامی آمریکا - انگلیس - رژیم صهیونیستی و رژیم سعودی.
- ب- احاطه بر آیین‌نامه‌های Tradoc و DCDC.
- پ- احاطه بر سناریوهای بدیهی نظامی دشمن.

بازی جنگ

- الف- تبیین کنش‌های احتمالی نظامی، در قالب سناریوهای محتمل، به عنوان استراتژی دشمن.
- ب- ترسیم واکنش‌های ممکن نظامی، به عنوان ضداستراتژی، در حمله به استراتژی دشمن.

آیین نظامی متجاوز

آیین متجاوز، قواعد و رویه‌های کنش و واکنش کشور متجاوز (آمریکا)، در جنگ نظامی علیه کشور هدف (ایران) است.

تبیین آیین متجاوز، یک ضرورت است. آنچه در قرآن کریم «جهاد کبیر*» نامیده شده و بستر آن عدم اطاعت از کفار است، از تبیین آیین متجاوز می‌گذرد.

□ الف- دکترین‌های نظامی آمریکا

□ ۱- دکترین‌های استراتژیکی نظامی

□ ۲- دکترین‌های عملیاتی نظامی

□ ۳- دکترین‌های تاکتیکی نظامی

□ ۴- دکترین‌های تکنیکی نظامی

* سوره فرقان، آیه ۵۲، فَلَا تُطِيعُ الْكٰفِرِيْنَ وَ جَاهِدُوْهُمْ بِهٖ جِهَادًا كَبِيْرًا

□ ب- مدیریت وخامت اوضاع نظامی در مواجهه با جمهوری اسلامی ایران

□ ۱- وخامت عمودی

□ (۱) عادی

□ (۲) تنش نظامی

□ (۳) تشنج نظامی

□ (۴) بحران نظامی

□ ۲- وخامت افقی

□ (۱) فرهنگی

□ (۲) سیاسی

□ (۳) اقتصادی

□ (۴) نظامی

□ (۴/۱) هوایی

□ (۴/۲) موشکی

□ (۴/۳) دریایی

□ (۴/۴) سرزمینی

□ (۴/۵) منازعات کم‌شدت نیابتی

□ پ- برآورد آسیب‌ها و ضعف‌های جمهوری اسلامی

□ ۱- آسیب‌ها و ضعف‌های فرهنگی ایران

□ ۲- آسیب‌ها و ضعف‌های سیاسی ایران

□ ۳- آسیب‌ها و ضعف‌های اقتصادی ایران

□ ۴- آسیب‌ها و ضعف‌های اجتماعی ایران

□ ۵- آسیب‌ها و ضعف‌های دفاعی ایران

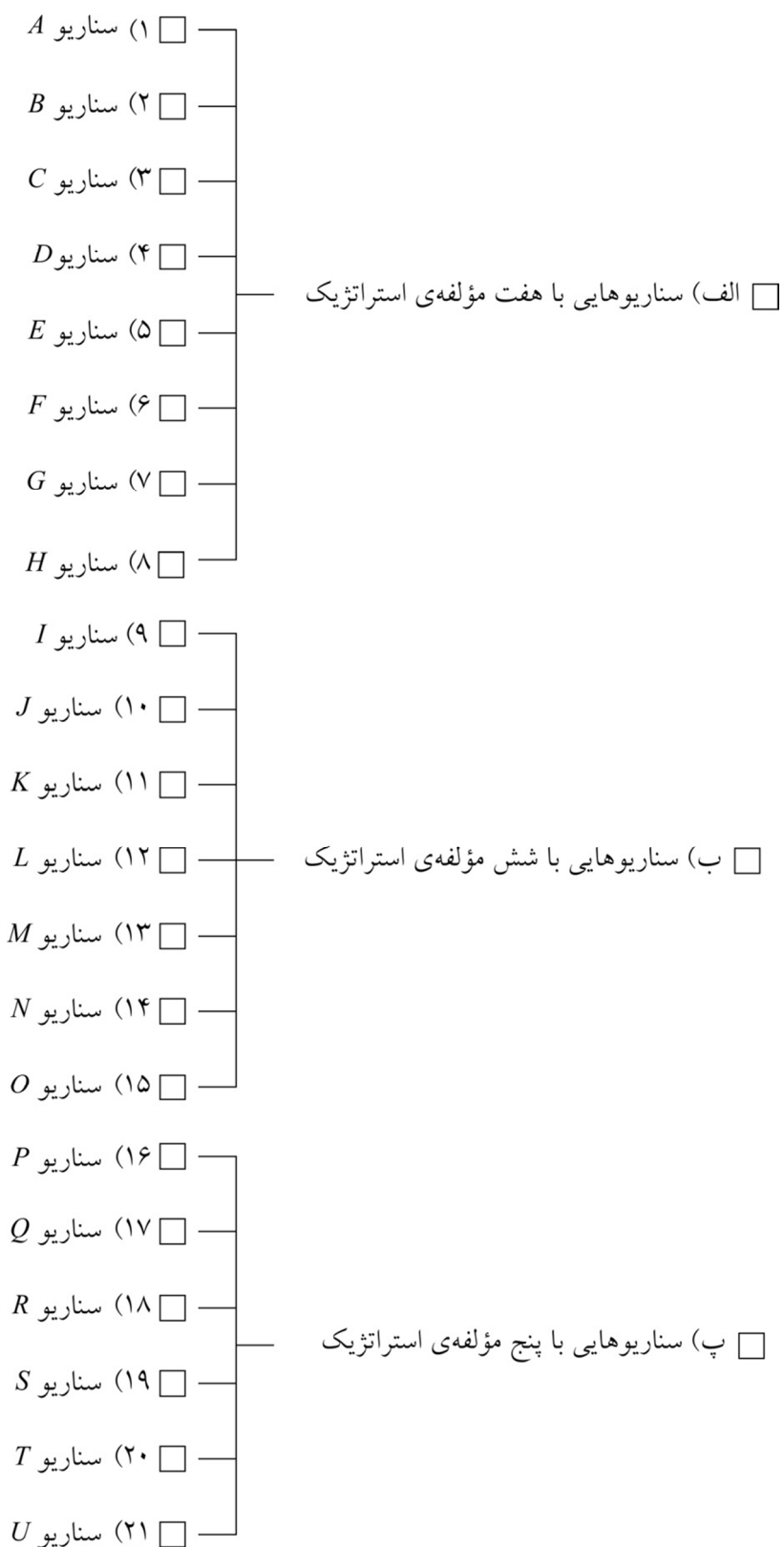
□ (۵/۱) آسیب‌ها و ضعف‌های دفاع هوایی ایران

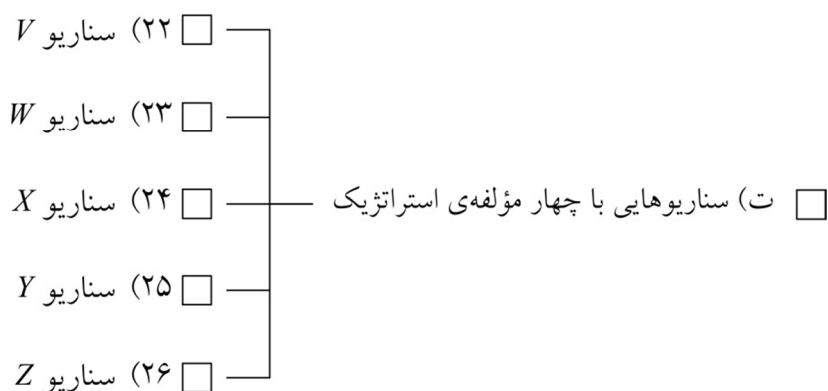
□ (۵/۲) آسیب‌ها و ضعف‌های دفاع دریایی ایران

□ (۵/۳) آسیب‌ها و ضعف‌های دفاع سرزمینی ایران

□ ت- سناریوهای اقدام آمریکا علیه ایران

□ ۱- سناریوهای اقدام مستقیم نظامی آمریکا (سناریوهای جنگ سخت *Hard warfare*)





□ ۲- سناریوهای پشتیبان در اقدام نظامی آمریکا علیه ایران

□ ۱- سناریوهای اقتصادی آمریکا (سناریوهای جنگ نیمه سخت *Semi hard warfare*)

□ ۲- سناریوهای سیاسی آمریکا

□ ۳- سناریوهای فرهنگی آمریکا (سناریوهای جنگ نرم *Soft warfare*)

□ ۴- سناریوهای اجتماعی آمریکا

□ ث- عملیات روانی مستقل (یا عملیات روانی پشتیبان) در اقدام نظامی آمریکا علیه ایران

□ ۱- برهم زدن «انسجام» روانی دفاعی جمهوری اسلامی ایران

□ ۲- برهم زدن «تعادل» روانی دفاعی جمهوری اسلامی ایران

□ ۳- برهم زدن «ثبات» روانی دفاعی جمهوری اسلامی ایران

□ ۴- برهم زدن «بقاء» روانی دفاعی جمهوری اسلامی ایران

روند جنگ آزمایی

دکترین استراتژیکی نظامی آمریکا

علیه ایران



ایران یک خطر جدی است، یک تهدید واقعی که باید آن را رفع نمود:

□ ۱- ایران در ۱۹۷۹ یک انقلاب به نام اسلام انجام داد که در عصر سکیولاریسم و نئوپاگانیسم، مجدداً دین را به عرصه‌ی حیات بشر آورد. این اقدام ایران تهدید جدی برای نئوپاگانیسم در دوره‌ی ترنس‌مدرن محسوب می‌شود. از این‌رو ایران با پیگیری سوپرپارادایم تئویسم برای سوپرپارادایم امانیسم یک خطر اساسی است.

□ ۲- در یک سطح پایین‌تر از تلقی پارادایمی، ایران مجموعه‌ی ایدئولوژی‌های مدرن را به چالش کشیده و از پذیرش آن‌ها سر باز زده است. جمهوری اسلامی در برابر ایدئولوژی‌های مارکسیسم، لیبرالیسم، کاپیتالیسم، فمینیسم و ایندیویژوالیسم سرسختانه مقاومت می‌کند. جمله‌ی تکان‌دهنده‌ی آیت‌الله خمینی را فراموش نمی‌کنیم که گفت: «تا من زنده هستم نمی‌گذارم این حکومت به دست لیبرال‌ها بیافتد.» این تقابل ایدئولوژیک ایران با غرب اصلاً مورد قبول ما نیست.

□ ۳- ایران در سطح منطقه خاورمیانه توسعه‌طلبی *Iranian Expansionism* می‌کند و دامنه‌ی نفوذ خود را گسترش می‌دهد. ایرانیان رؤیای امپراتوری کوروش را تا سواحل مدیترانه در سر دارند. این توسعه‌طلبی ایران قابل پذیرش نیست. ما نوادگان اسکندر، اجازه نمی‌دهیم که امپراتوری ایرانیان پس از ۲۵۰۰ سال مجدداً احیا شود.

□ ۴- تقابل ما با ایران تا تغییر حکومت آن ادامه دارد. رژیم‌چنج در ایران از راه فشار همه‌جانبه‌ی ما در قالب قدرت نرم، سخت و نیمه‌سخت جستجو می‌شود. در این میانه، نقش قدرت سخت ما در

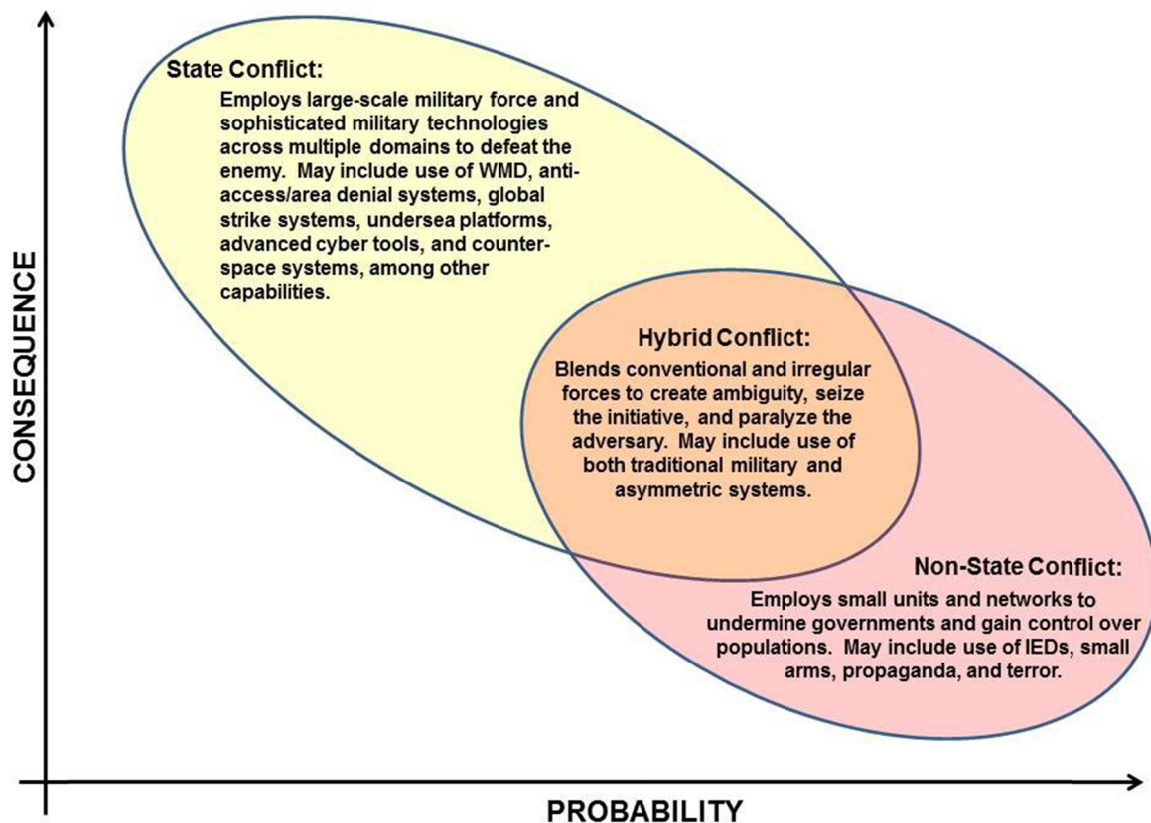
حمله‌ی نظامی به ایران، با وجود گزینه‌ی نظامی محتمل روی میز پرزیدنت ایالات متحده و فرماندهی کل قوا آمریکا، نقش ویژه‌ای محسوب می‌شود.

دکترین استراتژیکی نظامی ما این نقش را ترسیم و تضمین کرده است. اما شق سوم آن (مبحث چگونگی، در فرآیند چستی- چرایی و چگونگی اقدام نظامی علیه ایران) واجد مؤلفه‌هایی است که این مؤلفه‌های اساسی، راهنمای اقدام محسوب می‌شوند. تخطی از این مؤلفه‌ها، به هیچ روی پذیرفته نیست و با توسل به این مؤلفه‌هاست که ما جمهوری اسلامی ایران را شکست می‌دهیم.

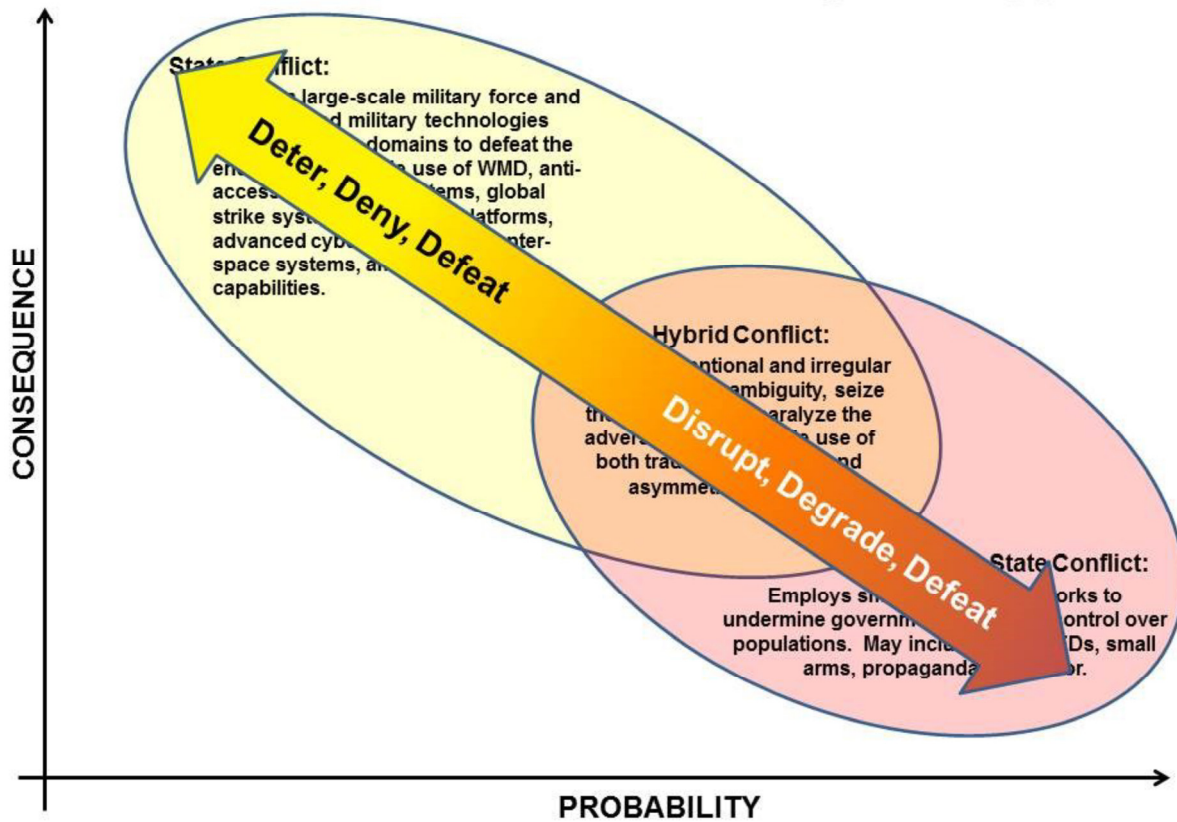
ما با جمهوری اسلامی ایران در سه طیف منازعه درگیر می‌شویم:

- منازعه با ایران دولتی (توان دفاعی حکومتی - رسمی ایران)
- منازعه با ایران غیر دولتی (توان دفاعی غیر حکومتی - غیر رسمی ایران)
- منازعه با ایران جامع (توان جامع دفاعی ایران - هیبریدی - ترکیب توان رسمی و غیر رسمی ایران).

Continuum of Conflict



The Integrated Approach



استراتژی ملی نظامی ما برای هر طیف منازعه یک پرده اختصاصی دارد:

الف - پرده منازعه با ایران دولتی

در هر منازعه با توان دفاعی رسمی (حکومتی)، ما سه گام عمده را بر می داریم:

- ۱- ابتدا دشمن را متوقف *Deter* کرده و او را باز می داریم.
- ۲- سپس دشمن را منصرف *Deny* نموده و او را وامی داریم تا از فعالیت خود دست بکشد.
- ۲- در نهایت دشمن را مغلوب *Defeat* نموده و شکست می دهیم.

توان دفاعی رسمی (حکومتی) ایران درصدد دستیابی به سلاح اتمی بود. ما توانستیم با فشار سیاسی و تحریم‌های اقتصادی ابتدا ایران را متوقف *Deter* کنیم. سپس موفق شدیم که آن کشور را از تلاش هسته‌ای در سطح پیشرفته منصرف *Deny* نماییم. در نهایت ما ایران را مغلوب *Defeat* کردیم و شکست دادیم، بدون شلیک یک گلوله.

همین تجربه را در قالب طرح‌های متعدد و متفاوت، برای سایر بخش‌های توان دفاعی رسمی مطمع نظر داریم. ما می‌توانیم همین فرمول را در بخش‌های موشکی، دریایی، سایبری، و ظرفیت جنگ‌های نیابتی ایران به کار ببریم و توان مقاومت آن کشور را بشکنیم.

ب - پرده منازعه با ایران غیر دولتی

در هر منازعه با توان دفاعی غیر رسمی (غیر حکومتی) در هر کشور، ما سه گاه عمده را بر می‌داریم.

□ ۱- ابتدا دشمن غیر رسمی را از حیث انسجام متلاشی *Disrupt* می‌کنیم و به مرحله‌ی از هم گسیختگی می‌رسانیم.

□ ۲- سپس دشمن غیر رسمی را مفلوک *Degrade* کرده و او را می‌فرسائیم.

□ ۳- و در ادامه بر او چیره می‌شویم و او را مغلوب *Defeat* می‌گردانیم.

توان دفاعی غیر رسمی ایران با فشار سیاسی و تحریم‌های اقتصادی مغلوب نمی‌شود. ما چاره‌ای نداریم جز این‌که به گروه اپوزیسیون فرهنگی - اجتماعی و ایدئولوژیک درون ایران تکیه کنیم و از آن‌ها در قامت یک اپوزیسیون سیاسی بهره ببریم تا از این راه بتوانیم توان دفاعی غیر رسمی ایران را خنثی کنیم و تا مرحله‌ی تغییر مسالمت آمیز رژیم ایران به پیش برویم.

ج - پرده منازعه با توان دفاعی هیبریدی ایران

در هر منازعه مرکب *Hybrid* که حاصل ترکیب توان دفاعی رسمی و غیر رسمی جمهوری اسلامی در ایران و منطقه غرب آسیا باشد، ما مجبوریم از حداکثر توان خود برای خنثی کردن قدرت هیبریدی ایران بهره ببریم.

□ ۱- ابتدا باید توان دفاعی رسمی ایران را متوقف *Deter* کنیم و هم‌زمان توان دفاعی غیر رسمی او را متلاشی *Disrupt* نماییم.

پرسش اساسی این است که چگونه باید این دو را از هم جدا و منفک کنیم؟ زیرا این دو توان، در هم تنیدگی می‌یابند.

□ ۲- سپس هم‌زمان که توان دفاعی رسمی ایران را منصرف *Deny* می‌کنیم، باید توان دفاعی غیر رسمی او را مفلوک *Degrade* نموده و آن را بفرسائیم.

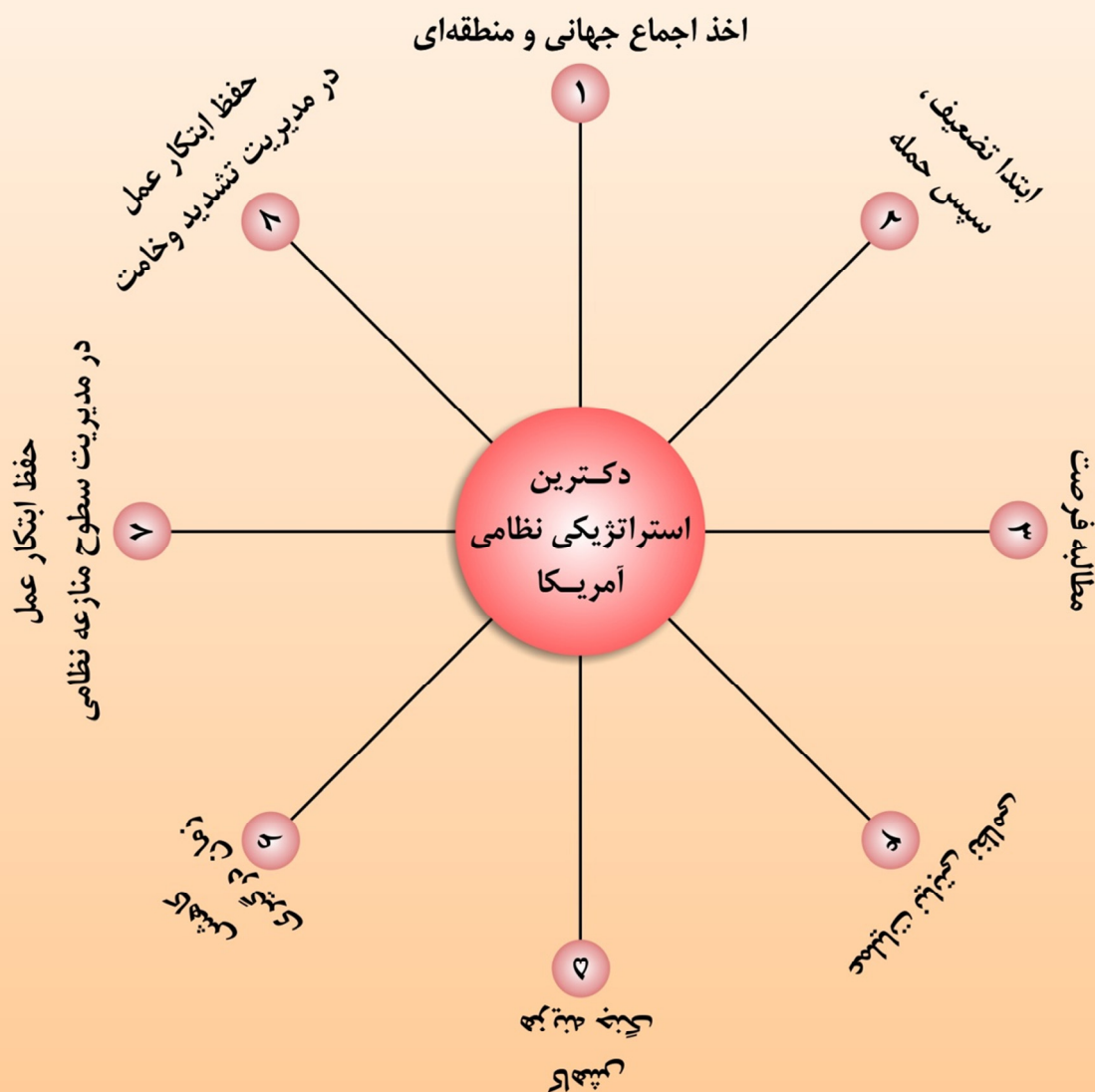
□ ۳- و در گام نهایی، بر نیروهای توان دفاعی رسمی و غیر رسمی چیره شده و آن‌ها را مغلوب *Defeat* نماییم.

روند تحمیل اراده‌ی ما بر دشمنی مانند ایران از قواره‌ی یک پارچه‌ای شامل ۸ مولفه‌ی اساسی تبعیت می‌کند. این مولفه‌ها، دکترین استراتژیکی ما در جنگ نظامی علیه ایران را شکل می‌دهند.

دکترین استراتژیکی جنگ نظامی آمریکا علیه ایران

مؤلفه‌های اساسی

دکترین استراتژیکی جنگ نظامی آمریکا

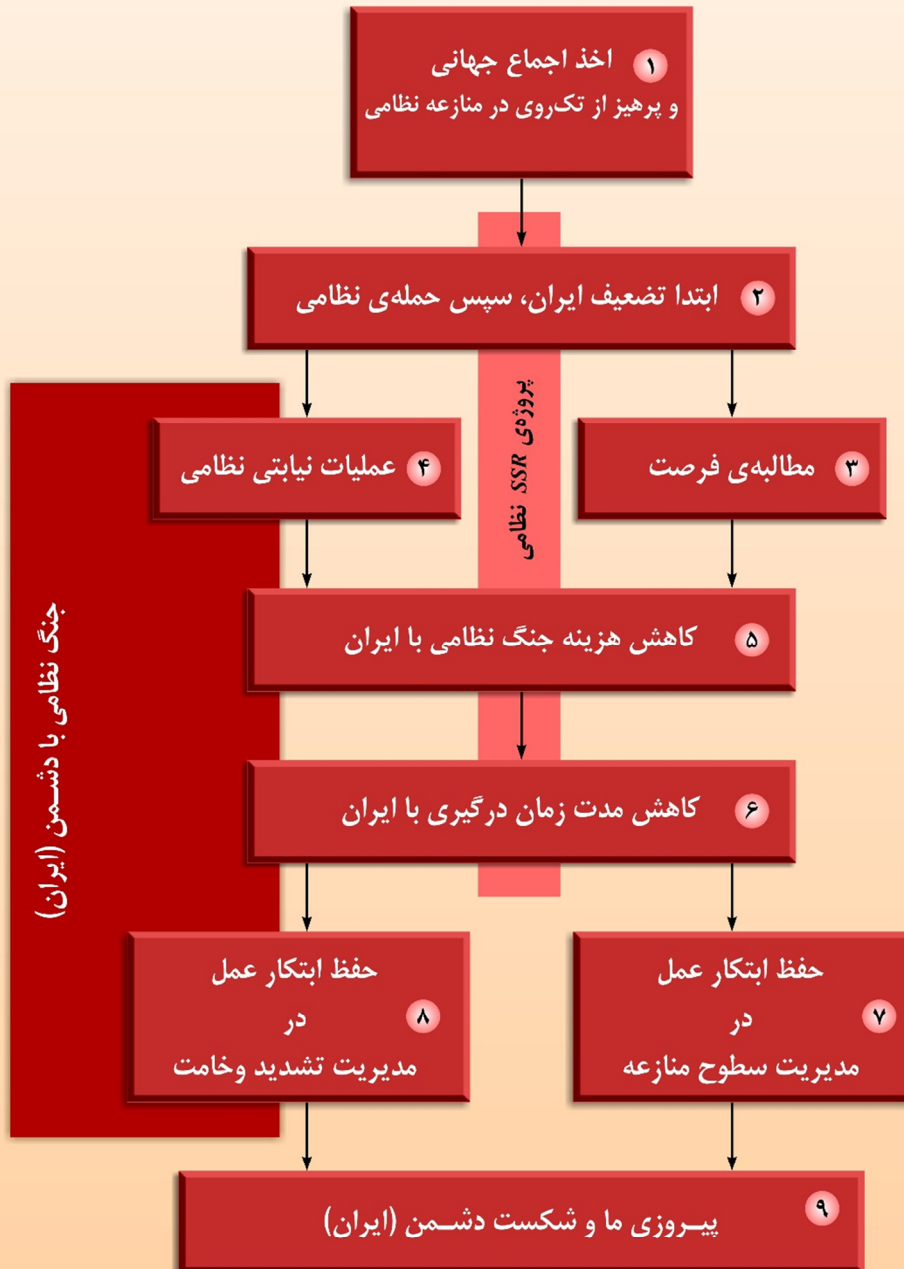


* به هر یک از این مؤلفه‌ها، در قالب ضد استراتژی باید جداگانه حمله کرد.

ترتیب و توالی اجرای دکترین جنگ نظامی آمریکا

روند تحمیل اراده آمریکا

بر دشمن (ایران)
در یک جنگ نظامی





□ ۱- اخذ اجماع جهانی و منطقه‌ای

ما فرماندهان نظامی آمریکا انتظار داریم که توان ملی و بین‌المللی آمریکا در این راستا به کار گرفته شود که جمهوری اسلامی ایران یا «منزوی» گردد، (تا عملیات نظامی علیه او مؤثر واقع شود) یا این‌که حداقل (درهنگام آغاز حمله به ایران) یک اجماع جهانی و منطقه‌ای علیه ایران شکل گرفته باشد.

مبتنی بر استراتژی قورباغه که در سال ۱۳۸۴ اعلام شد، محیط منطقه‌ای* و جهانی باید برای جمهوری اسلامی مانند یک دیگ جوشان شود تا ایران در آن آب‌پز گردد. (شانون، ۱۳۸۴)

ضد استراتژی



جمهوری اسلامی ایران، همواره باید تدابیر و سیاست‌های تهاجمی را اتخاذ کند تا:

- ۱- از انزوای خود توسط استکبار جهانی ممانعت به عمل آورد.
 - ۲- هر نوع اجماع جهانی و منطقه‌ای علیه خود را بر هم بزند و از موضع تراز قدرت آن را خنثی و بی‌اثر نماید.
 - ۳- در تشدید دمای بحران‌های گرم و سخت - تروریستی و نظامی - از سوی آمریکا و غرب، و متحدان منطقه‌ای او، آستانه‌ی تحمل خود را بالا ببرد.
- چگونگی این تدابیر، در قالب سناریوهای گوناگون ترسیم می‌شود.

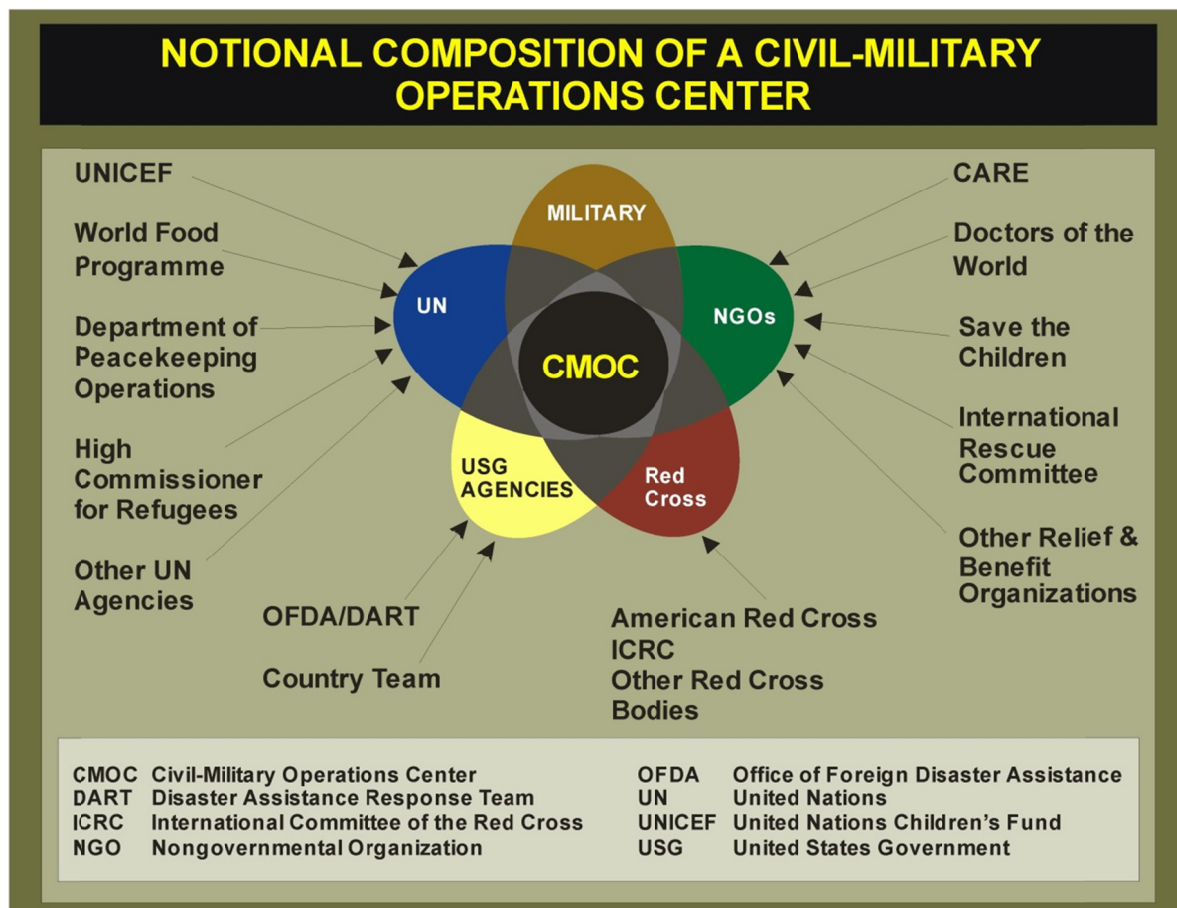
* اصول استراتژیک ما برای مهار ایران در منطقه خاورمیانه، شش مورد است:

- ۱- مواجهه‌ی جدی با توسعه‌طلبی ایران *Iranian Expansionism* در منطقه.
- ۲- ایجاد هدف مشترک بین متحدان ما در منطقه (اسرائیل، عربستان، ترکیه، اردن، امارات متحده‌ی عربی و ...).
- ۳- اولویت ما در منطقه‌ی خاورمیانه، نظم *Order* است نه مرز *Border*.
- ۴- از طریق حاکمیت مشترک *Inclusive Governance* بین آمریکا با هر دولت متحد ما در منطقه، ثبات در کشورهای دوست را ایجاد می‌کنیم. تعرض به حاکمیت هر کشور دوست، تعرض به حکومت آمریکا محسوب می‌شود.
- ۵- (در برخی کشورهای دوست) از ایجاد دولت جدید برای رسیدن به گزینه‌ی ثبات پایدار استقبال می‌کنیم (از تغییر حاکم، تا تغییر دولت، تا تجزیه‌ی آن کشور).
- ۶- اشتراک قدرت *Power-Sharing* را در سیاست، اقتصاد، قدرت نظامی و جنگ نیابتی با کشورهای دوست در منطقه پیگیری می‌کنیم.

مبتنی بر این اصول استراتژیک، ایران را در منطقه خاورمیانه محاصره، مهار و منزوی می‌کنیم.

عمق استراتژیک آمریکا برای اجماع جهانی و منطقه‌ای علیه ایران در دو بخش ویژه قرار دارد:

□ ۱) در سازمان ملل متحد. دولت ما (آمریکا) می‌تواند در سازمان ملل متحد از اهرم فشار حقوق بین‌الملل و منشور ملل متحد در شورای امنیت آن سازمان استفاده کند. همچنین در مقابل هر نوع موضع حمایتی از ایران نیز از حق وتو بهره ببرد. در مواجهه با ایران ابتدا یک *CMOC** تشکیل داده و سپس همه‌ی توان و ظرفیت سازمان ملل را در آن علیه ایران به کار می‌گیریم.



□ ۲) دولت‌های دوست یا دولت‌های دست‌نشانده‌ی ما در جهان و منطقه. ما می‌توانیم با کمک دولت‌های دوست (مانند انگلیس - فرانسه - کانادا - استرالیا - آلمان و ...) یا دولت‌های دست‌نشانده (مانند عربستان - کویت - قطر - امارات متحده عربی - بحرین - اردن و ...) زمینه‌ی انزوای ایران، یا ایجاد اجماع منطقه‌ای و بین‌المللی علیه او را فراهم آوریم.**

* دکترین نیروهای مسلح آمریکا - ۲۰۱۱

** آمریکا در ۲۹ اردی‌بهشت ۱۳۹۶ موفق شد در اجلاس ریاض، پیمان آتلانتیک شمالی عربی موسوم به نانوی عربی را با تجمیع ۵۵

کشور آسیایی، آفریقایی و اروپایی پدید آورد.



جمهوری اسلامی ایران عمق استراتژیک خود را در سه بخش تقویت کند:

- ۱- در میان مسلمین جهان. امت اسلامی، مهم‌ترین لنگرگاه استراتژیک ایران است.*
 - ۲- در میان مستضعفین جهان. مستضعفین غیرمسلمان نیز لایه‌ی دوم عمق استراتژیک ایران را تشکیل می‌دهند.
 - ۳- در میان کشورهای دوست و همراه، یا بی‌طرف.
- جمهوری اسلامی باید در ائتلاف‌های جهانی و منطقه‌ای مطلوب خود حاضر باشد.

* ایجاد بزرگترین اجماع بین‌المللی برای اشاعه‌ی تروریسم دولتی از سوی شاخص‌ترین کشورهای مروج تروریسم دولتی، در قالب پروژه‌ی ناتوی عربی، یک تهدید جدی است.

هدف ناتوی عربی که قبلاً در نقشه‌ی راه آن اعلام شده است، رژیم‌چنج در ایران تا سال ۲۰۲۰ است. پیدایش ناتوی عربی به عنوان بزرگترین اجماع بین‌المللی علیه جمهوری اسلامی ایران، نشانه شکست دیپلماسی لبخند و سیاست آغوش باز (به سوی غرب) است. شکست سیاست آغوش باز (که برگرفته از مدل سیاست درهای باز چین در ۱۹۷۸ بود) به معنی شیوع ناامنی در منطقه است. ایجاد ناتوی عربی به موازات ایجاد مرکز مأموریت ایران در CIA یعنی این‌که جهان در پس‌ابرجام ناامن‌تر شد. آمریکا در اصول استراتژیک خود برای منطقه‌ی غرب آسیا، اعلام کرده است که برای او نظم *Order* اصالت دارد نه مرز *Border*. آمریکا در حالی برای منطقه اولویت نظم بر مرز را مطرح می‌کند که خود او سیاست درهای بسته را با کشیدن مرز در سرحدات خود با جدیت دنبال می‌کند، و نه تنها جزیره‌ی بریتانیا با جدا شدن از اتحادیه اروپا سیاست درهای بسته را آغاز کرد، که ترکیه نیز اولویت مرز نسبت به نظم را با کشیدن دیوار در مرز خود با ایران، عراق و سوریه در پی گرفته است.

ازاین‌رو جمهوری اسلامی باید سیاست «گارد بسته» در برابر آمریکا را جایگزین سیاست «آغوش باز» کند.

← ایده‌ی ناتوی عربی، در قالب ناتوی آسیایی (برای شرق آسیا) ابتدا در ۱۳۸۵/۵/۲۷ توسط توماس بارنت استراتژیست نظامی آمریکایی در سخنرانی وی در دانشگاه دفاع ملی آمریکا مطرح شد. جمهوری‌خواهان در صدد اجرای آن بودند، اما با رفتن جورج بوش از کاخ سفید، اجرای آن به‌تعویق افتاد. با آمدن ترامپ جمهوری‌خواه در زمستان ۱۳۹۵ مجدداً پروژه‌ی ناتوی آسیایی توماس بارنت به‌روز رسانی شد و در پنجمین ماه دولت ترامپ، ایجاد ناتوی آسیایی با نام ناتوی عربی آغاز گردید.

ناتوی عربی یک قطعه پازل از یک نقشه‌ی راه جامع است که توماس بارنت آن‌را در مرداد ۱۳۸۵ اعلام کرد:

- ۱- ایجاد ناتوی آسیایی (عربی).
- ۲- تغییر رژیم جمهوری اسلامی تا سال ۲۰۲۰ (بارنت معتقد است که ایران کلید فتح خاورمیانه و جهان اسلام است).
- ۳- ادغام ناتوی آسیایی (عربی) با ناتوی غربی برای ایجاد یک سیستم امنیتی یک‌پارچه‌ی جهانی.



□ ۲ - ابتدا تضعیف، سپس حمله

استراتژی نظامی ما این است: ابتدا دشمن ما باید به اشکال مختلف حقوقی، فنی، علمی، سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و نظامی، تضعیف شود، سپس ما به او حمله کنیم تا «مطمئن شویم که پیروز از میدان برمی گردیم». دامنه‌ی تضعیف نظامی ایران از حوزه‌ی تضعیف سخت‌افزاری نظامی تا برهم زدن تعادل روانی او را در برمی گیرد.

ما نه تنها نباید به ایران اجازه دهیم که تفوق و سیادت نظامی در حوزه‌های گوناگون نسبت به آمریکا پیدا کند، بلکه به هیچ روی نباید به ایران امکان دهیم که بتواند با ما به «موازنه‌ی وحشت» دست یابد. ایران باید به قدری تضعیف شود که امکان «مقابله‌به‌مثل» در هر واکنش نظامی از او سلب شود. شورای امنیت سازمان ملل متحد ابزار مناسبی برای اعمال فشار بر ایران و تضعیف آن کشور در چهارچوب حقوق بین‌الملل است.

دولت ما باید پروژه * *SSR* را در حوزه نظامی علیه ایران به گونه‌ای جامع اجرا و پی‌گیری نماید تا قدرت نظامی ایران روزبه‌روز ضعیف‌تر شود.

بسیار خوشنودیم که دولت ما نهاد اختصاصی به نام «مرکز مأموریت ایران» در سازمان اطلاعات مرکزی *CIA* را به دستور پرزیدنت ترامپ در ژوئن ۲۰۱۷ ایجاد کرد. تشکیل این مرکز موجب می‌شود که سطح کنترل و نظارت اطلاعاتی بر ایران و سطح عملیات در ایران، هم‌تراز سطح عملیات *CIA* در روسیه، چین و کره شمالی، بالا برود. قطعاً این مرکز در *CIA* در تضعیف روزافزون ایران بسیار مؤثر خواهد بود. ما بی‌صبرانه منتظر اقدامات بی‌ثبات‌ساز آن در ایران هستیم.

* پروژه‌ی فرسایش قطاع امنیتی *SSR : Security Sector Reform*

و پروژه فرسایش نظام امنیتی ایران *& Security System Reform*

ضد استراتژی



جمهوری اسلامی ایران از هر عامل تضعیف‌کننده‌ی خود که زمینه‌ساز حمله‌ی نظامی دشمن است باید دوری گزیند. تقویت خود (به‌ویژه در حوزه‌های مورد طمع دشمن برای حمله) یک ضرورت استراتژیک است. از این رو باید قویاً در برابر پروژه SSR بایستد و متقابلاً پروژه SSR ایالات متحده آمریکا را در دستور کار خود قرار دهد.

دکترین: امنیت پایدار محصول بازدارندگی پایدار است، و بازدارندگی پایدار حاصل موازنه‌ی استراتژیک است.

درواقع بازدارندگی، در ممانعت از شکل‌گیری روند تضعیف خود در نسبت با تقویت روزافزون دشمن است.

اما امنیت مطلق محصول ناتواندگی مستمر دشمن در بازتولید تهدید است.

ایران باید در حداقل توان خود، در «ترازیابی قدرت» به ایجاد «موازنه‌ی وحشت» و امکان «مقابله‌به‌مثل» تامتقارن، برای پاسخ به هر تهدید بالفعل آمریکا، در هر لحظه و هر جا برسد، و آن «تراز» را حفظ نموده و بسط دهد.

ادوار دکترین اقدام انقلاب اسلامی در مواجهه با تهدیدها روند رشد عقلانی را طی نموده است و این رشد نباید متوقف شود.*

* ادوار دکترین اقدام انقلاب اسلامی

قطار اقدام برای مقابله، بر روی ریل بازدارندگی Deterrence و (پیش‌دستی برای) ناتواندگی Pre-emptive قرار دارد.

ادوار دکترین اقدام انقلاب اسلامی	
۱- ضربه‌ی دوم - دکترین اقدام دهه ۱۳۶۰	توسعه نظامی
۲- بازدارندگی - دکترین اقدام دهه ۱۳۷۰	
۳- ضربه‌ی اول - دکترین اقدام دهه ۱۳۸۰	توسعه نظامی
۴- ناتواندگی - دکترین اقدام دهه ۱۳۹۰	

□ ۱ - دکترین ضربه دوم

اگر دشمن حمله کند، پاسخ متقابل را دریافت می‌کند.

□ ۲ - دکترین بازدارندگی (رهب - ترهبون)

اقدامی که موجب شود دشمن خویشتن‌داری نموده و توان بالقوه‌ی اقدام خود را بالفعل ننماید.

* وادارندگی

اقدامی که دشمن انجام می‌دهد (یا وادار با انجام آن می‌شود) و در اثر کنش او می‌توان سنگ پرتاب شده توسط دشمن را در محیط اقدام (صدف) به مرورید تبدیل نمود، مانند حمله رژیم صهیونیستی به جنوب لبنان که موجب پیدایش حزب‌الله لبنان شد، یا حمله آمریکا به عراق و سرنگونی صدام که به پیدایش عراق آیت‌الله حکیم منتج شد، و یا حمله داعش به عراق که سبب پیدایش الحشد العسبی گردید.

بازدارندگی استراتژیکی

بازدارندگی								
وادارندگی یا بازدارندگی پس از اقدام (نرم)		بازدارندگی اقدام (سخت)						
مصادره به مطلوب	عواقب منفی	انهدام قطعی	تلافی بزرگ	مقابله به مثل در واکنش قابل انعطاف	موازنه‌ی وحشت			
*	—	—	*	*	*	اقدام مستقیم	ناایمن	
*	*	*	*	*	*	بازدارندگی نیابتی		
*	*	*	*	*	*	شمشیر داموکلس		
*	—	—	*	*	*	اقدام متقابل	متقارن	

□ ۳ - دکتترین ضربه اول

دشمن انگیزه‌ای برای حمله نظامی ندارد، اما اگر در سایر حوزه‌ها (سیاسی - اقتصادی و ...) تخطی و خطا کند با اقدام نظامی روبرو می‌شود.

□ ۳ - دکتترین (پیش‌دستی برای) ناتوان‌سازی دشمن (واغلظ علیهم)

طبق قاعده‌ی «علاج واقعه قبل از وقوع باید کرد» ناتوان‌سازی دشمن، به گونه‌ای که از آن پس نتواند تهدیدی جدی باشد، پیش‌دستی برای ناتوان‌سازی دشمن است.

ناتوان‌سازی دو لایه‌ی متمایز را در بردارد:

□ خشی کردن توان و امکان دشمن در دشمنی (تهدید نظامی)

□ خشی کردن قصد و اراده و ذهنیت دشمن در دشمنی (آمال و آرزوی تهدید نظامی)

* دکترین ضربه دوم و دکترین بازدارندگی، درحیطه‌ی جهاد صغیر نظامی هستند، زیرا اقدام به ضربه دوم و یا اقدام بازدارندگی، تابعی از واکنش به کنش دشمن است. پس این دشمن است که زمین و قواعد بازی را تعیین می‌کند و ناچار باید از قواعد او تبعیت کرد.

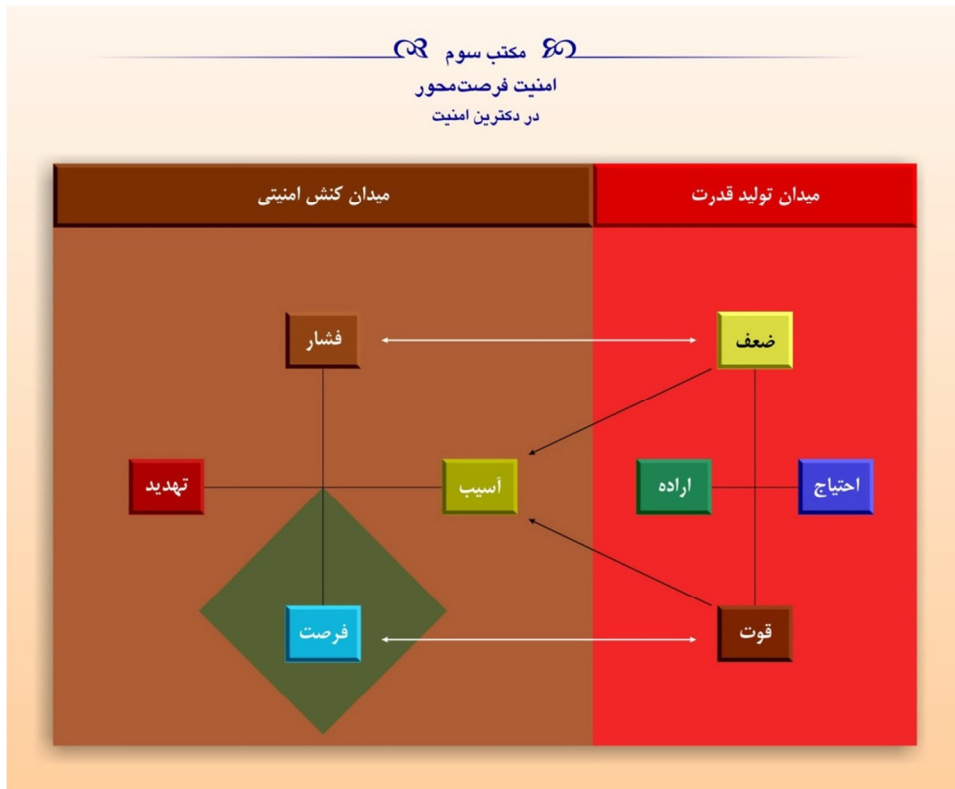
اما دکترین ضربه اول و دکترین ناتواندگی، در حیطه‌ی جهاد کبیر نظامی هستند. مبتنی بر قاعده‌ی «نفی اطاعت» در آیه ۵۲ سوره فرقان «فَلَا تُطِيعِ الْكٰفِرِيْنَ وَ جَاهِدْهُمْ بِهٖ جِهَادًا كَبِيْرًا» نباید از کفار تبعیت و اطاعت کرد. تاثیر این قاعده فقهی بر دکترین دفاعی این است که در تعیین زمان - مکان - زمین - و قواعد بازی، در جنگ محتمل آینده، نباید از دشمن اطاعت کرد. از این رو دکترین ضربه اول و دکترین ناتواندگی، متضمن قاعده (دکترین) «نفی اطاعت» از کفار، و در نتیجه حفظ ابتکار عمل در دست فرماندهان انقلاب اسلامی است.

		Pre - Empetive (پیش دستی برای) ناتواندگی		
توانایی سایر تئوریک	جنگ نیابتی	فلج تکنیکی	<input type="checkbox"/> نفی تاب‌مندی	
			<input type="checkbox"/> نفی توان‌مندی	
		فلج تاکتیکی	<input type="checkbox"/> نفی تاب‌مندی	
			<input type="checkbox"/> نفی توان‌مندی	
		فلج عملیاتی	<input type="checkbox"/> نفی تاب‌مندی	
			<input type="checkbox"/> نفی توان‌مندی	
		فلج استراتژیکی	<input type="checkbox"/> نفی تاب‌مندی	
			<input type="checkbox"/> نفی توان‌مندی	
		حقوقی - دیپلماتیک	فلج حقوقی گروه‌های تروریستی DDR	<input type="checkbox"/> نفی تاب‌مندی
				<input type="checkbox"/> نفی توان‌مندی
			فلج حقوقی قطاع و نظام امنیتی دشمن SSR	<input type="checkbox"/> نفی تاب‌مندی
				<input type="checkbox"/> نفی توان‌مندی
	تئوریک منطقه‌سخت	فلج سیاسی تا تغییر رژیم	<input type="checkbox"/> نفی تاب‌مندی	
			<input type="checkbox"/> نفی توان‌مندی	
		فلج محیطی - بالکانیزاسیون	<input type="checkbox"/> نفی تاب‌مندی	
			<input type="checkbox"/> نفی توان‌مندی	
		فلج قومی - سکتاریزاسیون	<input type="checkbox"/> نفی تاب‌مندی	
			<input type="checkbox"/> نفی توان‌مندی	
		اقتصادی	فلج مالی با جنگ ارزی	<input type="checkbox"/> نفی تاب‌مندی
				<input type="checkbox"/> نفی توان‌مندی
	فلج تجاری با جنگ تجاری		<input type="checkbox"/> نفی تاب‌مندی	
			<input type="checkbox"/> نفی توان‌مندی	
	تئوریک	فلج اقتصادی با جنگ اقتصادی	<input type="checkbox"/> نفی تاب‌مندی	
			<input type="checkbox"/> نفی توان‌مندی	
فقهی		فلج اپیستمولوژیک (معرفتی)	<input type="checkbox"/> نفی تاب‌مندی	
			<input type="checkbox"/> نفی توان‌مندی	
		فلج ایدئولوژیک (عقیدتی)	<input type="checkbox"/> نفی تاب‌مندی	
			<input type="checkbox"/> نفی توان‌مندی	
		فلج سایکولوژیک (روانی)	<input type="checkbox"/> نفی تاب‌مندی	
			<input type="checkbox"/> نفی توان‌مندی	
فلج سوسیولوژیک (جامعه فلج)	<input type="checkbox"/> نفی تاب‌مندی			
	<input type="checkbox"/> نفی توان‌مندی			



□ ۳ - مطالبه‌ی فرصت

دکترین امنیت ملی ما بر مکتب اصالت فرصت استوار است: تبیین تهدید، سپس تبدیل آن به فرصت. به ما آموخته‌اند که اگر بربرها نیستند، پس شما آن‌ها را ایجاد کنید، سپس تهدید آن‌ها را برجسته نموده و آن را تبدیل به فرصت نمایید.



از این رو در سطح دکترین استراتژیکی نظامی نیز، ما در پنتاگون بر این نکته متمرکز هستیم که در مواجهه با دشمن خود از فرصت‌ها، حداکثر بهره‌برداری را بنماییم. به ویژه درباره‌ی ایران که از مزیت‌های نسبی متعددی در دفاع برخوردار است. در نتیجه ما مترصد «فرصت» درباره‌ی ایران هستیم :

□ ۳/۱- **بلایای طبیعی.** وقوع بلایای طبیعی گسترده، فرصت مناسبی برای تضعیف یک کشور و اشغال آن است. در سال‌های اخیر، هائیتی با یک زلزله‌ی بیش از ۷ ریشتری تخریب شد. ارتش ما برای کمک‌رسانی وارد پورتو پرنس پایتخت هائیتی شد و عملاً آن کشور را اشغال کرد.

تهران منتظر یک زلزله است که در بازه‌ی هر ۲۰۰ سال یک‌بار در این شهر رخ داده است. پیش‌بینی بر این است که حداقل یک‌چهارم تهران ویران می‌شود. این فرصت خوبی برای اشغال ایران است.

□ ۳/۲- **آشوب‌های سیاسی.** سیاست ما در قبال ایران این است که هژمونی ایران را به عقب برانیم و از کسانی که درون ایران حمایت کنیم که منجر به تغییر مسالمت‌آمیز رژیم آن‌ها بشود. البته می‌دانیم که این عناصر در ایران هستند. (تیلرسون، ۱۳۹۶). حتی دوستان ما در اسرائیل هم به این عناصر درون ایران بسیار امیدوارند. رفرمیست‌ها

بزرگترین سرمایه اسرائیل در ایران هستند (نتانياهو). رفرمیست‌ها با جمهوری اسلامی ایران جبهه دارند به نمایندگی از اسرائیل (شیمون پرز). دوستان رفرمیست ما در ایران، در سال ۲۰۰۹ یک آشوب گسترده‌ی سیاسی را به یک اغتشاش سیاسی تبدیل کردند. همان‌گونه که پرزیدنت اوباما و هیلاری کلینتون وزیر امور خارجه‌ی ما گفتند، ما از آن‌ها به شکل گسترده حمایت کردیم. یک آشوب سیاسی چنان‌چه تبدیل به اغتشاش سیاسی شود و سپس بتوان از آن در قالب انقلاب مخملی برای تغییرات سیاسی استفاده کرد، می‌تواند زمینه را برای اشغال نظامی ایران فراهم کند.

□ ۳/۳- جدایی‌طلبی. پژاک و دیگر گروه‌ها در کردستان ایران، هویت‌طلبان ترک در آذربایجان ایران، و گروه‌های دیگری در خوزستان و بلوچستان ایران هستند که می‌توانند با حمایت ویژه‌ی ما، زمینه را برای تضعیف حکومت مرکزی ایران فراهم، و عملیات نظامی ما را تسهیل و تقویت کنند. بسیاری از اینان در صورت سازمان‌دهی، می‌توانند به عنوان نیروی پیاده‌نظام برای ما عمل کنند.

ضد استراتژی



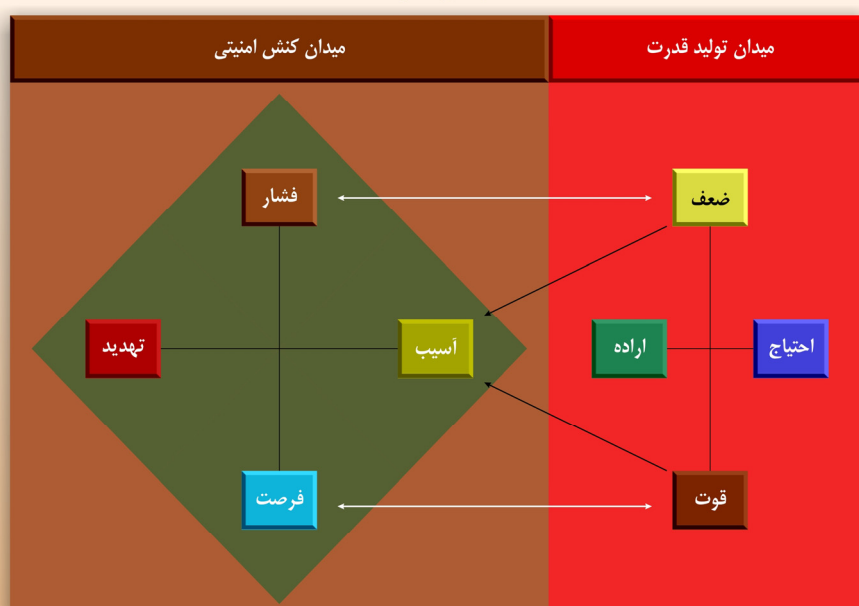
هر چند که دکترین امنیتی انقلاب اسلامی مبتنی بر اصالت موقعیت است نه اصالت فرصت، اما هر وضعیتی که در کشور پدید آید و امکان ایجاد فرصت برای آمریکا محسوب شود، باید آن وضعیت را خنثی کرد.

* تأکید امام خامنه‌ای مدظله‌العالی این است که «پازل دشمن را با ایجاد قطعات موردنظر او کامل

نکنید»

مکتب چهارم

امنیت موقعیت محور
در دکترین امنیت





□ ۴ - عملیات نیابتی نظامی

ما هرگاه از جنگ نیابتی *Proxy War* بهره برده‌ایم، در صحنه‌ی منازعه به نتیجه مطلوب خود رسیده‌ایم. «جان فاستر دالس» وزیر امور خارجه در دهه‌ی ۱۹۵۰ به ما تذکر داد که: «بگذار آسیایی با آسیایی بجنگد». در جنگ کره ۱۹۵۳ و در جنگ ویتنام بین نیروهای شمال و جنوب آن را امتحان کردیم. در جنگ عمان علیه چریک‌های ظفار، این ما بودیم که «شاه» ایران را در ۱۹۷۷ وادار کردیم که به‌جای ما بجنگد و دیدیم که نتیجه چقدر عالی شد؛ عملاً بیش از چهل سال حکومت سلطان قابوس را در عمان گارانتی کردیم.

در اشغال افغانستان در سال ۲۰۰۱ نیروهای مجاهدین (ائتلاف شمال) به‌عنوان نیروی زمینی ما با طالبان جنگیدند.

ما اکنون یک جنگ جدید مذهبی ۳۰ ساله (۱۴۲۴-۱۳۹۴) را در جهان اسلام آغاز کرده‌ایم. جنگی مانند جنگ مذهبی ۳۰ ساله اروپا در ۴۰۰ سال قبل میان کاتولیک‌ها و پروتستان‌ها. (ریچارد هاس - هنری کیسینجر - جان کری ۹۴-۱۳۹۳)

اکنون در سطح جهان اسلام، دکترین ما این است: «بگذار مسلمان با مسلمان بجنگد». القاعده، داعش، النصره، الشباب، بوکوحرام، و ده‌ها گروه دیگر، به اسم اسلام، اما برای اهداف و مقاصد ما در آسیا و آفریقا می‌جنگند.

با ایران نیز باید از راه جنگ نیابتی درگیر شویم. در هر درگیری با ایران، نیروی پیاده‌نظام ما، همان نیروهای نیابتی هستند: داعش، القاعده، سازمان مجاهدین خلق، پژاک، گروه‌های معارض جنوب شرق ایران، یا نیروهای موسوم به رفرمیست ایران، که هنگام جنگ نظامی باید آن‌ها را آموزش داد و آماده نمود (اکنون نیروهای رفرمیست ایران، عناصر جنگ نیابتی سیاسی - فرهنگی ما در ایران علیه حکومت جمهوری اسلامی هستند).

فرماندهان ما به خوبی می‌دانند که سیاست پنتاگون این است که نیروی زمینی ما هنگامی وارد یک سرزمین برای درگیری شود که ابتدا نیروهای نیابتی، استراتژی سرزمین سوخته را اجرا کرده باشند و هر نوع مقاومت زمینی را در برابر نیروی زمینی ما به حداقل رسانده باشند. عملیات نیابتی چهار سطح دارد:

جنگ نیابتی *Proxy War* - نبرد نیابتی *Proxy Battle* - رزم نیابتی *Proxy Combat* - و پیکار نیابتی *Proxy Martial*

Martial

ضد استراتژی	
□ ۱- نیروهای انقلاب اسلامی، حربه‌ی جنگ نیابتی را به دشمن برگردانند و از آن در ابعاد فرهنگی - سیاسی - اقتصادی و نظامی علیه او استفاده کنند.	
□ ۲- و مادامی‌که نیروهای جنگ نیابتی دشمن در صحنه هستند، مطمئن باشند که نیروهای زمینی آمریکا وارد عمل نمی‌شوند. در نتیجه چنین منازعه‌ای، جنگ تمام‌عیار نیست.	



□ ۵- کاهش هزینه‌ی جنگ نظامی

مداخله‌ی نظامی ما در جهان مبتنی بر محاسبه‌ی هزینه- فایده *Cost & Benefit* است. هیچ توجیهی غیر از منافع ملی* ما (در هر کنش بین‌المللی) مطرح نیست.

ما در جنگ جهانی دوم در دهه‌ی ۱۹۴۰ بیش از ۳/۶ تریلیون دلار هزینه کردیم. هزینه‌ی جنگ با عراق در سال ۲۰۰۳ و اشغال آن کشور بیش از هزینه‌ی ما در جنگ جهانی دوم شده است. در واقع جنگ ما با عراق و اشغال آن کشور، گران‌ترین جنگ تاریخ است. (استیگلیتز، ۱۳۸۶)

جمهوری اسلامی ایران صدها بار قوی‌تر از عراق است و هزینه‌ی جنگ با آن کشور صدها بار بیش‌تر از هزینه‌ی جنگ با عراق برآورد می‌شود.

دولت ایالات‌متحده باید این هزینه را مدنظر داشته باشد و ما را تقویت کند. در سال ۲۰۱۶ هزینه نظامی ما ۶۱۱ میلیارد دلار، و بودجه دفاعی ایران ۱۲ میلیارد دلار بود؛ یعنی نسبت یک به پنجاه.

اما دولت ایالات‌متحده از پنتاگون و ستاد مشترک نیروهای مسلح آمریکا می‌خواهد که ما هزینه‌ی رویارویی با ایران را کاهش دهیم. از این رو کاهش هزینه‌ی جنگ با ایران، برای ما یک ضرورت و یک اصل استراتژیکی است.

* منافع ما در خاورمیانه

۱- امنیت انرژی (نفت و گاز ارسالی از این منطقه به غرب)

۲- ممانعت از تروریسم اسلامی علیه غرب

۳- ممانعت از تولید سلاح‌های کشتار جمعی در کشورهای منطقه

۴- حمایت از متحدان ما (اسرائیل - عربستان و ...)



جمهوری اسلامی ایران باید تدابیری اتخاذ کند که هزینه‌ی دشمنی ایالات متحده با ایران بسیار بالا برود. در حوزه‌ی نظامی نیز باید تدابیری اتخاذ کند که هزینه‌ی جنگی آمریکا علیه ایران در هر اقدام نظامی، بسیار فراتر از برآورد پنتاگون گردد.

□ ۱- دونالد رامسفلد وزیر دفاع آمریکا در هنگام اشغال عراق، اعلام کرد که ما با ۵۰ میلیارد دلار این جنگ را به پایان می‌بریم. یک دهه بعد، معلوم شد که هزینه‌ی اشغال عراق بیش از ۵ تریلیون دلار گردیده است، یعنی صد برابر بیش از برآورد پنتاگون. هزینه‌ی جنگ آمریکا علیه ایران که در ۲۰۱۵ بیش از ۴۰ تریلیون دلار برآورد شد، باید حداقل ۶۰ تریلیون دلار گردد.*

□ ۲- نرخ سرمایه امنیتی جمهوری اسلامی *National Security Capital* با احتساب میانگین نرخ سرمایه‌ی امنیتی جهانی در سه سطح، به ترتیب:

- احتساب نرخ سرمایه امنیت ملی در سطح حساسیت «حداقلی» امنیتی فرانسه و

انگلیس، در طول وقوع وقایع تروریستی در سه سال اخیر در آن دو کشور،

- احتساب نرخ سرمایه امنیت ملی در سطح حساسیت «حد وسط» امنیتی هند، روسیه

و اندونزی در طول وقوع وقایع تروریستی و کشمکش‌های مرزی در سه سال اخیر این

کشورها،

- احتساب نرخ سرمایه امنیت ملی در سطح حساسیت «حداکثری» امنیتی مصر،

سوریه، عراق، یمن، پاکستان و ترکیه در طول وقوع حوادث تروریستی، کشمکش‌های

مرزی و تهاجم خارجی در سه سال اخیر در این کشورها،

- و با احتساب سطح حساسیت «حد وسط» امنیتی جمهوری اسلامی در بازه‌ی سه

ساله‌ی ۱۳۹۶-۱۳۹۳ نرخ سرمایه امنیتی جمهوری اسلامی بالغ بر ۴۲ تریلیون دلار

برآورد می‌شود که پدیده‌ی «گران‌زیست امنیتی - دفاعی» را برای تضمین و ارتقاء این

سرمایه‌ی ارزشمند توجیه می‌کند.

چنانچه «امنیت پایدار» و «بازدارندگی مستمر» کنونی به خطر بیفتد، بازتولید امنیت در سطح

شاخص‌های فعلی، تا ۴۲ تریلیون دلار هزینه مادی و انسانی نیاز دارد.

□ ۳- روند ضریب امنیت مبتنی بر شاخص‌های اقتصاد امنیتی، حاکی از افزایش هزینه‌ی امنیت

داخلی در دوره‌ی ۱۳۹۸-۱۳۹۶ است.

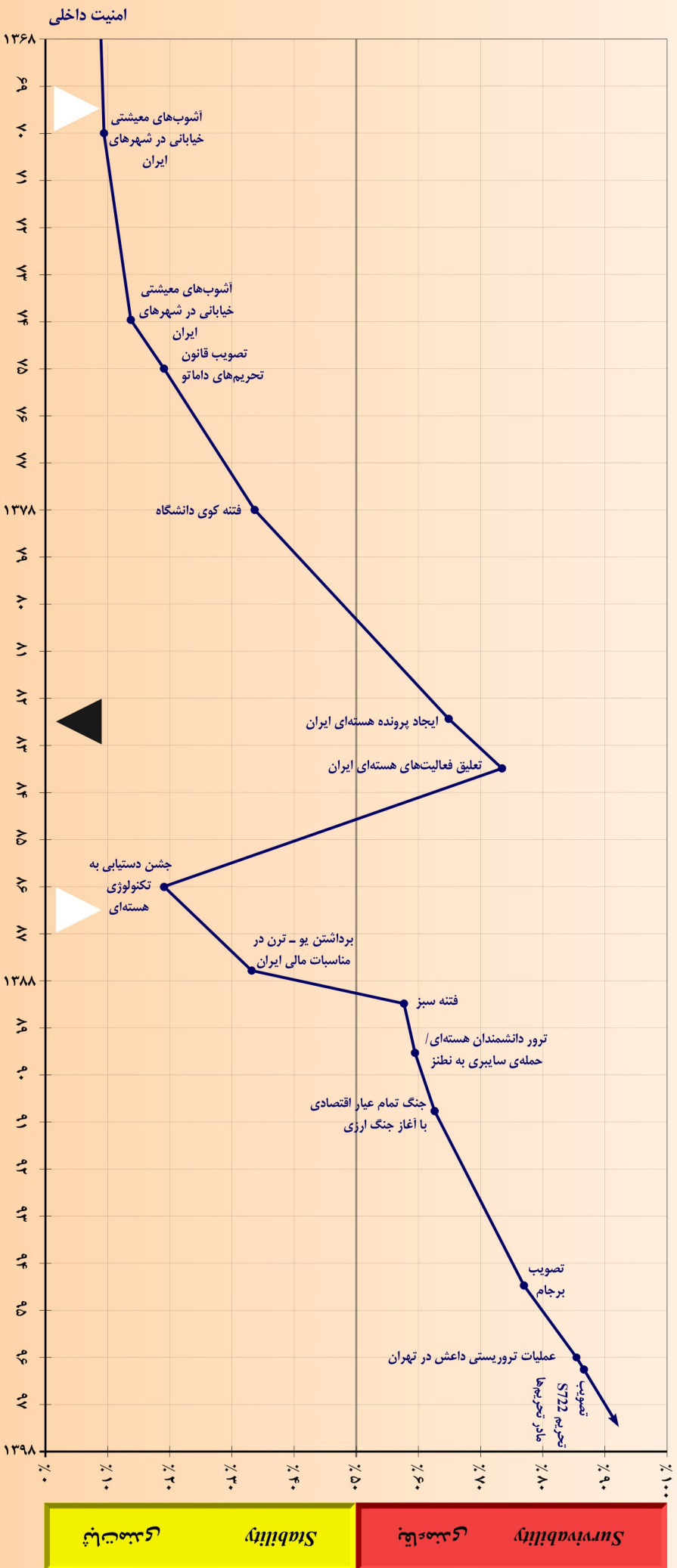
□ ۴- روند ضریب دفاع مبتنی بر شاخص‌های اقتصاد دفاعی، حاکی از افزایش هزینه‌ی دفاع در

دوره‌ی ۱۳۹۸-۱۳۹۶ است.

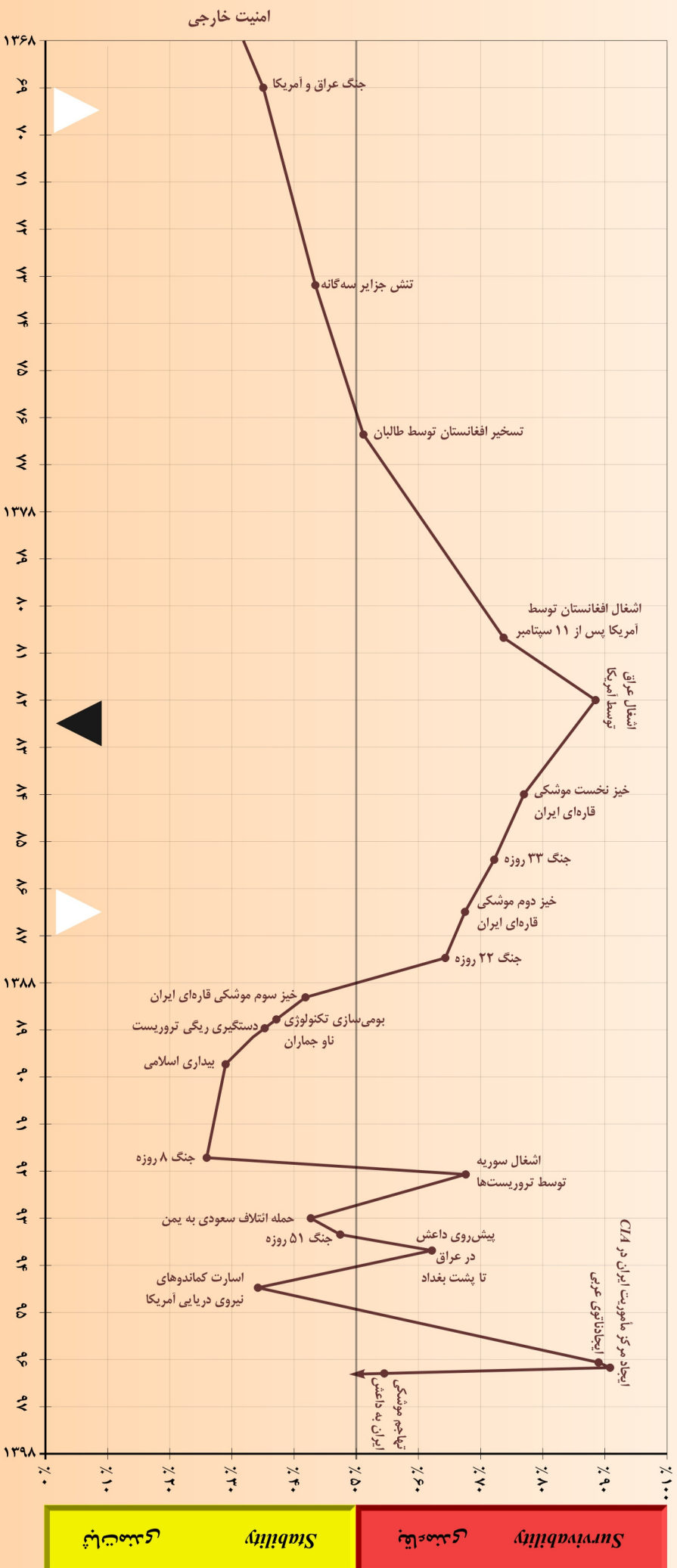
□ ۵- روند گران‌زیست امنیتی - دفاعی جمهوری اسلامی، حاکی از انطباق افزایش هزینه امنیت با

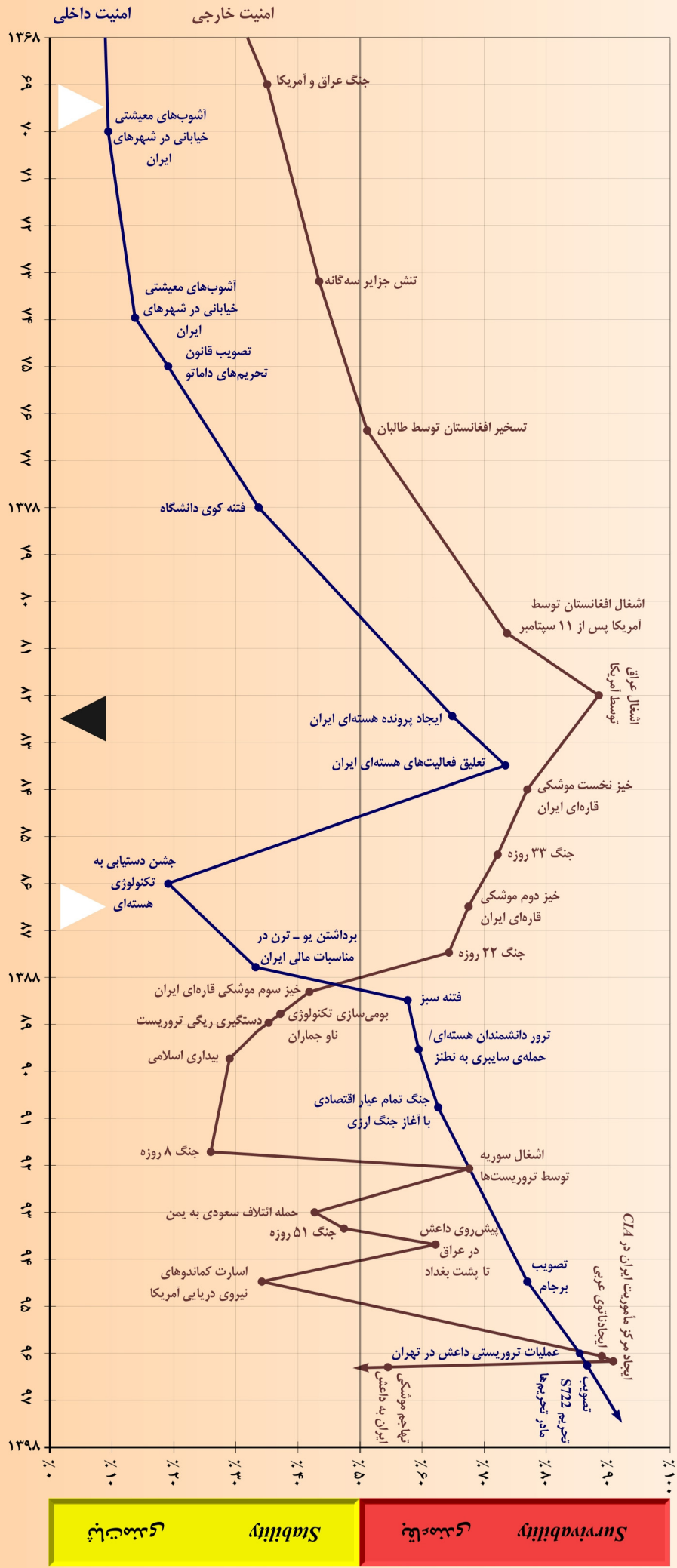
هزینه‌ی دفاعی است.

* بودجه تهدید: جمع هزینه نظامی ناتوی غربی و ناتوی عربی در سال ۲۰۱۶ بیش از یک تریلیون و هفده میلیارد دلار است.

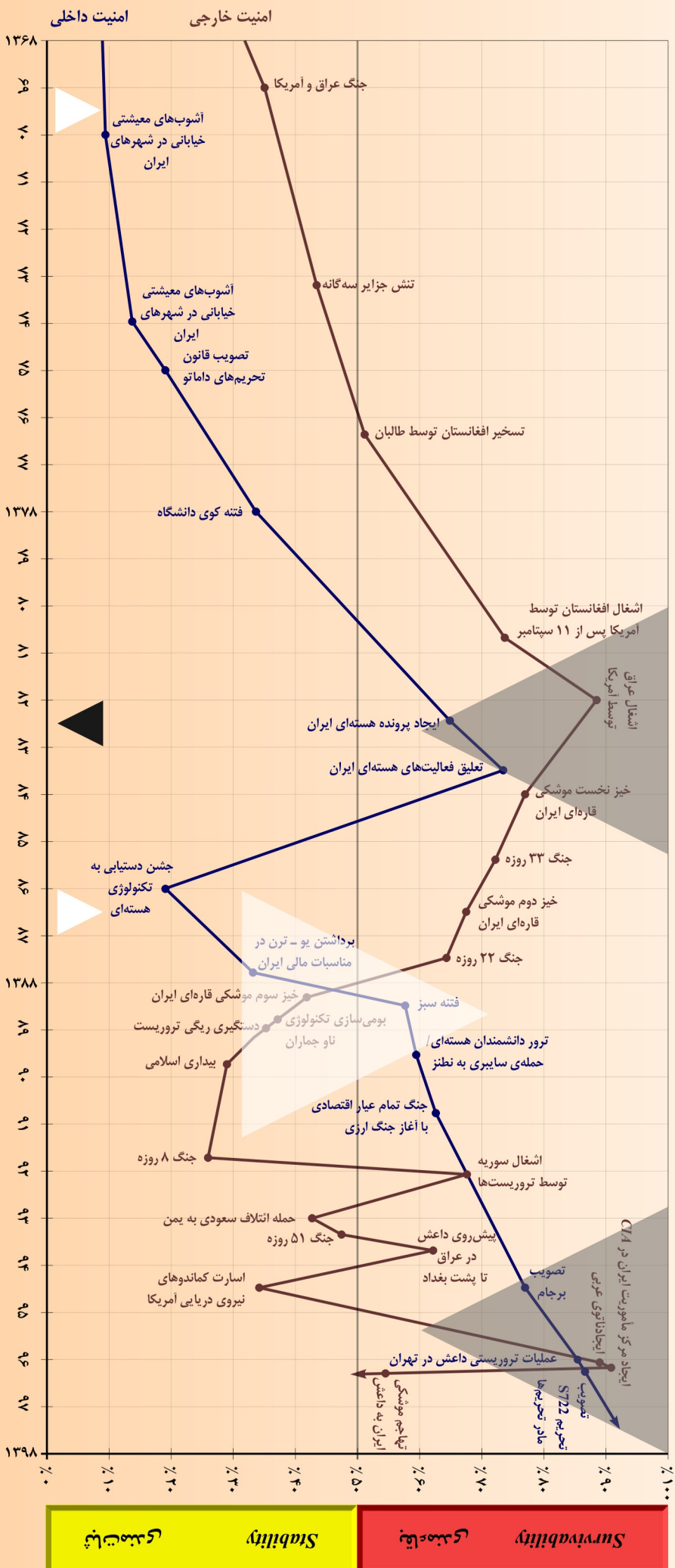


روند ضریب هزینه دفاع مبتنی بر شاخص‌های اقتصاد دفاعی





↑ فراز نمودار: افزایش هزینه‌های امنیتی و دفاع
 ↓ فرود نمودار: کاهش هزینه‌های امنیتی و دفاع
 ▲ پایین‌ترین ضریب احساس امنیت سالانه
 ▼ بالاترین ضریب احساس امنیت سالانه



↑ فراز نمودار: افزایش هزینه‌ی امنیتی و دفاع
 ↓ فرود نمودار: کاهش هزینه‌ی امنیتی و دفاع
 ▲ پایین‌ترین ضریب احساس امنیت سالانه
 ▼ بالاترین ضریب احساس امنیت سالانه



□ ۶ - کاهش زمان درگیری نظامی (تنگه‌ی زمانی)

اقتصاد ما تحمل یک جنگ طولانی و فرسایشی با ایران را ندارد. چون اقتصاد جهان به نفت و گاز منطقه جنوب غرب آسیا وابسته است، جهان نیز تحمل جنگ طولانی و فرساینده میان ما و ایران را ندارد. این عاملی است که می‌تواند اجماع جهانی علیه ایران را برهم بزند. ضمناً چون نیروهای مسلح ما گران و پرهزینه می‌جنگند، هزینه‌ی روزانه‌ی جنگ با ایران برای ما بسیار زیاد است. از این رو جنگ ما با ایران باید کوتاه‌مدت باشد، زیرا نمی‌توانیم در درازمدت پاسخ‌گوی افکار عمومی مردم آمریکا و سپس جهان باشیم.

شعار ما این است: درگیری در حداقل زمان، با حداکثر بهره‌وری عملیاتی.

ضد استراتژی



جمهوری اسلامی ایران باید تدابیری را اتخاذ کند که هر نوع درگیری آمریکا با ایران مستمر و فرسایشی شود. کشورهای قدرتمند، به دلیل انباشت قدرت نظامی در روزهای نخستین جنگ از ابتکار عمل تازشی برخوردارند. اما به مرور و پس از آزاد شدن انرژی حاصل از انباشت قدرت نظامی، و تبدیل شدن مدیریت صحنه‌ی منازعه از مدیریت تازشی به مدیریت مبتنی بر روش جاری اقدامات، تا آغاز طرح‌های عملیاتی پیاپی بعدی، نیروهای نظامی کلاسیک غالباً مردد و مستأصل می‌مانند. هنگامی که دور تک حفظ نشود، یک ارتش کلاسیک دچار رخوت شده و برای بازسازی روحی و تجهیزاتی نیازمند فرصت است.

تاب‌مندی دفاعی جمهوری اسلامی باید در برابر حفظ دور تک ارتش آمریکا از شاخص‌های انعطاف بهره‌مند باشد.

تنگه زمانی نیروهای مسلح آمریکا نباید با تنگنای تحمل نیروهای جمهوری اسلامی منطبق باشد؛ آستانه‌ی بالای تحمل نیروهای ایران باید فراتر از تنگه‌ی زمانی و فرصت ارتش آمریکا باشد. این نسبت تنگه‌ی زمانی باید برای بازه یک جنگ فرسایشی ۲۰ تا ۲۵ ساله دیده شود.



□ ۷ - حفظ ابتکار عمل در مدیریت سطوح گوناگون منازعه نظامی

الف - حفظ ابتکار عمل در مدیریت سطوح منازعه: منازعه چهار سطح کلی دارد: تکنیکی، تاکتیکی، عملیاتی و استراتژیکی. منازعه در سطح تکنیکی پیکار نام دارد. منازعه در سطح تاکتیکی رزم خوانده می‌شود. منازعه در سطح عملیاتی نبرد نامیده می‌شود. منازعه در سطح استراتژیکی نیز به جنگ مشهور است.

ترمینولوژی

منازعه

عربی	غربی	فارسی	
منازعه	<i>Conflict</i>	برخورد	
محاربه	<i>War</i>	جنگ	استراتژیک
مقابله	<i>Battle</i>	نبرد	عملیاتی
مبارزه	<i>Combat</i>	رزم*	تاکتیکی
مقاتله	<i>Martial</i>	پیکار	تکنیکی

* معرب

گاهی از ابتدای منازعه، ما درگیر جنگ می‌شویم، زیرا برای آن آماده شده‌ایم و طرح منازعه را در سطح استراتژیکی ریخته‌ایم. در این صورت مدیریت منازعه در سطح جنگ است و تکلیف فرماندهان ما روشن است. اما گاهی سطح منازعه، تاکتیکی یا عملیاتی است؛ مانند طرح بمباران تأسیسات هسته‌ای ایران یا اشغال جزایر تنگه‌ی هرمز که اولی تاکتیکی و دومی عملیاتی است. در این صورت برای بمباران تأسیسات هسته‌ای ایران درگیر یک رزم می‌شویم، و در اشغال جزایر تنگه‌ی هرمز درگیر یک نبرد می‌گردیم.

قطعاً ایران اقدام ما را بدون پاسخ نمی‌گذارد و با ما درگیر شده و یا حتی دامنه‌ی درگیری را به بخش‌های دیگر و گشودن جبهه‌های دیگر می‌کشانند.

از این رو باید آماده باشیم تا :

□ ۷/۱- ابتکار عمل را در ارتقاء سطح درگیری از (پیکار به رزم، از رزم به نبرد، از نبرد به جنگ) به جمهوری

اسلامی ایران واگذار نکنیم.

□ ۷/۲- باید ابتکار عمل را در ایجاد جبهه‌های دیگر علیه نیروهای آمریکا، از ایران سلب کنیم. ایران باید در

همان میدان پاسخ ما را بدهد که ما تعریف و مشخص می‌کنیم.

ب- حفظ ابتکار عمل در مدیریت ترکیب منازعات: ایران توان ایجاد و هدایت منازعات ساده و ترکیبی دولتی،

غیر دولتی و مرکب *Hybrid* را دارد. جمهوری اسلامی این ترکیب را در جنگ نیابتی در لبنان، و در منازعات

هیبریدی در سوریه، یمن و عراق به خوبی تجربه کرده است. از این رو فرماندهان ما باید در هر سه حوزه منازعات

دولتی، منازعات غیر دولتی و منازعات مرکب و پیوندی آماده مواجهه با ایران باشد.

ضد استراتژی



جمهوری اسلامی ایران باید ابتکار عمل منازعه را از دست آمریکا بگیرد یا حداقل این‌که سیادت مدیریت صحنه را برهم زده و اگر ایران ابتکار عمل منازعه را در اختیار ندارد، آمریکا نیز نباید داشته باشد:

□ ۱- آمریکا در هر سطحی منازعه را آغاز کرد، ایران بتواند در اسرع وقت سطح منازعه را

ارتقاء دهد و ابتکار عمل را در سطوح منازعه به دست بگیرد: از تکنیکی به تاکتیکی، از تاکتیکی به عملیاتی و استراتژیکی. گاهی آمریکا برای پاسخ در سطح بالاتر آماده نیست.

□ ۲- آمریکا در هر نقطه و منطقه‌ای که درگیری را آغاز نمود، ایران ضمن پاسخ در آن نقطه و منطقه، باید بلافاصله چند جبهه‌ی تاکتیکی، عملیاتی و یا حتی استراتژیکی دیگر علیه او بگشاید.

□ ۳- مدیریت ترکیب منازعات تا سطح منازعات مرکب و پیوندی همواره توسط فرماندهان انقلاب اسلامی اعمال شود. این بخشی از ظرفیت و توان اقدام نامتقارن فرماندهان ایرانی است.

□ ۴- جمهوری اسلامی در منازعات منطقه‌ای آموخته است که نوع متفاوتی از منازعات

هیبریدی را در صحنه به اجرا گذارد: منازعات مرکب هوشمند *The Smart Hybrid Conflict* منازعات هیبریدی هوشمند، هم‌افزایی قدرت و طاقت را برای نیروهای انقلاب اسلامی به ارمغان آورده است.

انطباق و هماهنگی طاقت و قدرت عامل اساسی خنثی کردن توان تحمیل اراده‌ی دشمن بر جمهوری اسلامی است. هم‌چنین طاقت و قدرت، دو پایه از بنیان‌های استقامت هستند. از این رو فرماندهان انقلاب اسلامی، هر منازعه با نظام استکباری را به یک منازعه‌ی مرکب هوشمند تبدیل کنند. پاشنه‌ی آشیل شیطان بزرگ در منازعات مرکب هوشمند است.

فرماندهان نیروهای انقلاب اسلامی نباید فراموش کنند که عامل اساسی پیروزی قاطع در منازعه، حفظ ابتکار عمل در مدیریت سطوح منازعه و بازتعریف میادین دیگری است. از این رو اساس عمل خود را بر اقدام نامتقارن مثبت* قرار دهند.



فرماندهان نیروهای انقلاب اسلامی باید پس از ضربه‌ی اول آمریکا، ضمن پاسخ به او در همان سطح، دکرترین ضربه‌ی اول را در سطح دیگر (تاکتیکی، عملیاتی، یا استراتژیکی) و در جای دیگر (رزمگاه، نبردگاه، یا جنگگاه دیگری) اعمال کنند و از هر نوع انفعال در برابر ضربه‌ی اول آمریکا پرهیز کنند.

* دکرترین اقدام نامتقارن مثبت: بازی در زمین دشمن با قواعد خود.



۸ - حفظ ابتکار عمل در مدیریت تشدید وخامت

مدیریت وخامت اوضاع از عادی به تنش، از تنش به تشنج، و از تشنج به بحران، یک روند نوسانی دارد. مدیریت این نوسان، مدیریت وخامت اوضاع است.

ما در نیروهای مسلح آمریکا قائل به مدیریت هوشمند وخامت اوضاع هستیم:

□ ۸/۱- اگر منازعه در سطح عادی انجام شد و به تنش انجامید، فرماندهی صحنه بتواند آن را مدیریت کند.

□ ۸/۲- اگر منازعه از سطح تنش به تشنج انجامید، فرماندهی صحنه بتواند آن را مدیریت کند.

□ ۸/۳- اگر منازعه از سطح تشنج به بحران انجامید، فرماندهی صحنه بتواند آن را مهار کند.

البته تشدید وخامت تنها محدود به نردبان بحران نیست، بلکه در شکل افقی نیز وخامت اوضاع از یک منبع قدرت به منبع دیگر قدرت منتقل می‌شود. فرماندهی صحنه باید بتواند منازعه را در حوزه‌های مختلف مدیریت کند.

□ ۸/۴- اگر منازعه در سطح افقی نظامی، از دریایی - یا هوایی - آغاز شد، سپس به درگیری موشکی، و آنگاه

به هوایی - یا دریایی - و در نهایت به درگیری سرزمینی کشید، فرماندهی صحنه بتواند وخامت اوضاع را، در قالب انتقال از فاز دریایی به هوایی، از دریایی و هوایی به سرزمینی و بالعکس مدیریت کند.

* فرماندهی فرماندهی مرکزی آمریکا - سنتکام - مستقر در کشور قطر، باید توان «عملیات مشترک» خود، در این حوزه را در برابر ایران به‌خوبی بیازماید. سرعت انتقال از درگیری دریایی به هوایی، یا دریایی به موشکی، یا هوایی و موشکی به دریایی، و یا دریایی و هوایی به سرزمینی، از کمتر از یک ساعت، تا یک هفته - یا بیشتر - می‌تواند نوسان داشته باشد. فرماندهی عملیات مشترک صحنه باید بتواند این بازه زمانی را در انتقال از فاز دریایی به هوایی و سپس سرزمینی مدیریت کند.

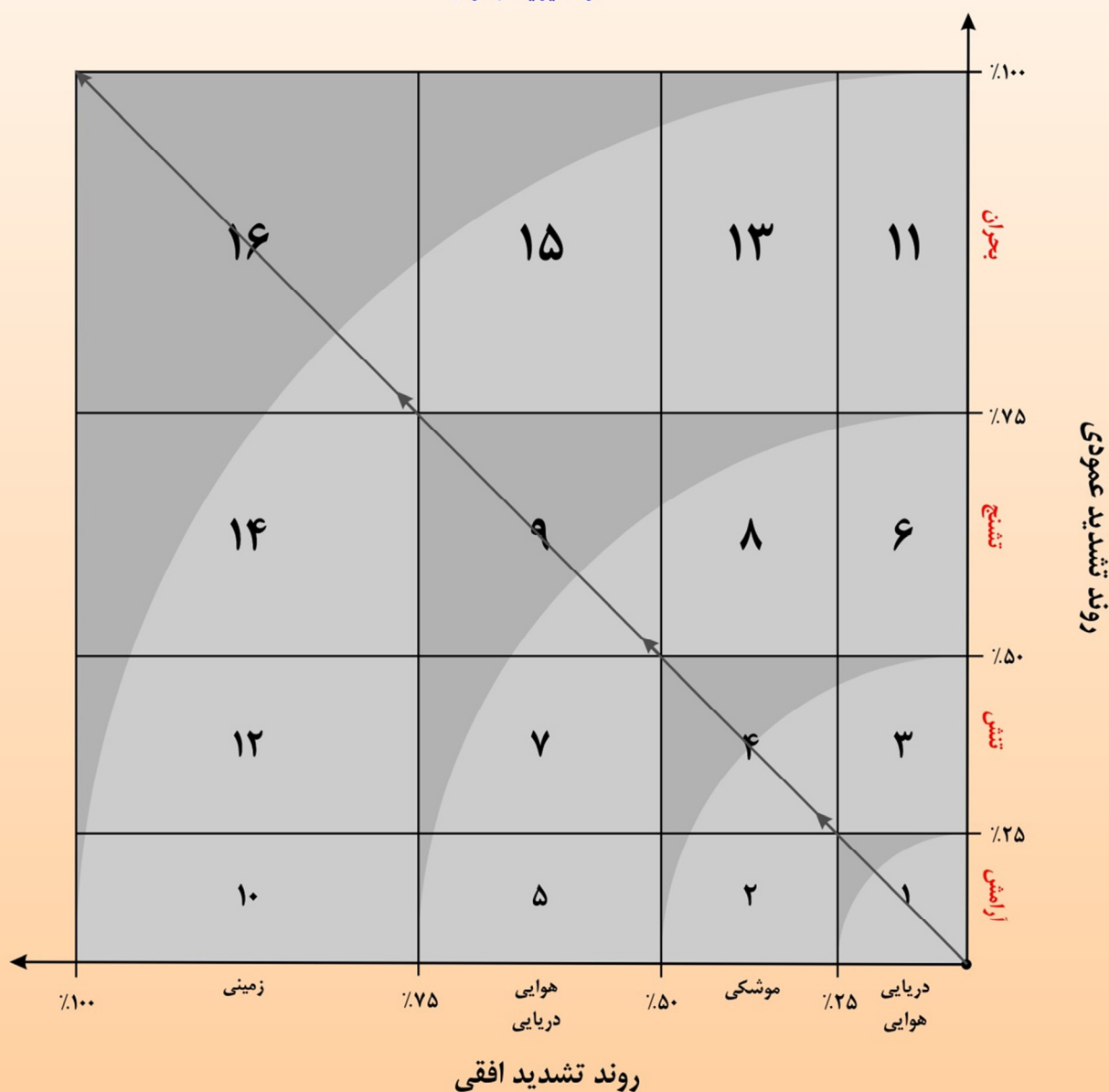


□ ۸/۵- اگر منازعه از حوزه‌ی سیاسی به نظامی انجامید، فرماندهی صحنه بتواند وخامت اوضاع را، در قالب انتقال از فاز سیاسی به فاز نظامی یا بالعکس مدیریت کند.

□ ۸/۶- اگر منازعه از حوزه‌ی نظامی یا سیاسی، به منازعه‌ی اقتصادی انجامید، فرماندهی صحنه بتواند وخامت اوضاع را، در قالب انتقال از فاز سیاسی یا نظامی به فاز اقتصادی یا بالعکس مدیریت کند.
 حفظ ابتکار عمل در این است که فرماندهی صحنه بتواند به اختیار و عنداللزوم به هر یک از این حوزه‌های سیاسی، اقتصادی، یا نظامی که ضرورت داشت، منازعه را بکشاند و در آنجا منازعه را مدیریت کند.

آستانه تحمل بحران نظامی

در روند تشدید برداری
 در مدیریت بحران





ابتکار عمل در مدیریت هوشمند وخامت، نباید به دشمن واگذار شود. فرماندهان نیروهای انقلاب اسلامی باید همواره به خاطر داشته باشند که حفظ ابتکار عمل در مدیریت وخامت اوضاع، ضامن پیروزی قطعی در صحنه، و یکی از مؤلفه‌های منازعه نامتقارن است:

- ۱- مدیریت هوشمند وخامت اوضاع، از عادی به تنش، از تنش به تشنج و از تشنج به بحران و بالعکس باید در دست فرماندهان نیروهای انقلاب اسلامی باشد.
 - ۲- مدیریت هوشمند در تشدید افقی از دریایی - هوایی به موشکی، سپس به سرزمینی باید در دست فرماندهان انقلاب اسلامی باشد. مبتنی بر دکترین اقدام نامتقارن در تشدید افقی وخامت، تشخیص این‌که «پاسخ تهاجم آمریکا را در کدام حوزه - دریایی، هوایی، موشکی، یا سرزمینی - باید داد» بایستی در اختیار فرماندهان انقلاب اسلامی باشد.
 - ۳- فرماندهان نیروهای انقلاب اسلامی، مدیریت هوشمند وخامت اوضاع، از فرهنگی به سیاسی، از سیاسی به اقتصادی، از اقتصادی به نظامی و بالعکس را باید جزئی از وظایف ذاتی خود بدانند.
- از این رو فرماندهان نیروهای انقلاب اسلامی آماده باشند تا پس از ضربه‌ی اول از سوی آمریکا، با اعمال دکترین ضربه‌ی اول در سطوح گوناگون منازعه در مناطق مختلف، مدیریت هوشمند وخامت اوضاع را به دست گیرند.

سناریوهای اقدام

سناریوهای محتمل

سناریونویسی، مبتنی بر مؤلفه‌های دکترین استراتژیکی نظامی آمریکا علیه ایران انجام می‌شود. ماتریس سناریو نسبت به مؤلفه‌ها، به‌ندرت کامل می‌شود. از این رو هر سناریو، واجد تعدادی از مؤلفه‌های دکترین مزبور است و در نتیجه در فقدان و غیبت تعداد دیگری از مؤلفه‌ها طراحی شده است.

از این حیث سناریوها به پنج دسته تقسیم می‌شوند:



الف- سناریو کامل

سناریویی که متضمن همه‌ی مؤلفه‌های دکترین استراتژیکی نظامی آمریکا باشد، برای ما بهترین سناریو

است.

این سناریو برای ایران فاجعه است.



مواجهه





ب- سناریو ناقص با یک مؤلفه‌ی غایب



سناریوهای ردیف ۱ - ۲ - ۳ - ۴ - ۵ - ۶ - ۷ - ۸

	
<p>این سناریوها برای ایران بسیار بد است و مواجهه با چنین سناریوهایی طاقت فرساست.</p>	<p>مواجهه</p>



پ- سناریوهای ناقص با دو مؤلفه‌ی غایب



سناریوهای ردیف ۹ - ۱۰ - ۱۱ - ۱۲ - ۱۳ - ۱۴ - ۱۵

	
<p>این سناریوها برای ایران بد است و مواجهه با چنین سناریوهایی دشوار است.</p>	<p>مواجهه</p>



ت- سناریوهای ناقص با سه مؤلفه‌ی غایب

سناریوهای ردیف ۱۶ - ۱۷ - ۱۸ - ۱۹ - ۲۰ - ۲۱


	
<p>این سناریوها برای ایران خوب است زیرا مواجهه با چنین سناریوهایی آسان است.</p>	<p>مواجهه</p>



ث- سناریوهای ناقص با چهار مؤلفه‌ی غایب

سناریوهای ردیف ۲۲ - ۲۳ - ۲۴ - ۲۵ - ۲۶

	<p>مواجهه</p>	<p>مواجهه ایران با این سناریوها عالی است.</p>
---	---------------	---

	<p>ضد استراتژی</p>
<p>استراتژی جمهوری اسلامی این است که اجازه ندهد مؤلفه‌های دکترین استراتژیکی آمریکا کامل شود، و در نتیجه همواره سناریوهای آمریکا علیه ایران، سناریوهای ناقص با غیبت بیشترین تعداد از مؤلفه‌ها باشد.</p>	

مؤلفه‌های دکترین استراتژی نظامی آمریکا علیه ایران

جدول سناریوها

مؤلفه‌های دکترین استراتژی نظامی آمریکا علیه ایران								جدول سناریوها			
جنگ نظامی						ابتدا تفویض، سپس حمله	اندا اجزاء جهانی و منطقه‌ای				
حفظ ابتکار عمل در مدیریت تسلیح و کماخت	حفظ ابتکار عمل در مدیریت سطوح گوناگون مازعه نظامی	کاهش زمان درگیری	کاهش هزینه جنگ	عملیات نیابتی نظامی	مطالبه فرصت			SSR			
						۸	۷				
*	*	*	*	*	*	*	*	سناریو A	۱	سناریوهای خیلی بد	ارزبایی ایران در توان خود برای مواجهه با تهدیدهای آمریکا از حیث کیفیت سناریوها در نسبت مؤلفه‌های دکترین استراتژی
*	*	*	*	*	*	*	*	سناریو B	۲		
*	*	*	*	*	*	*	*	سناریو C	۳		
*	*	*	*	*	*	*	*	سناریو D	۴		
*	*	*	*	*	*	*	*	سناریو E	۵		
*	*	*	*	*	*	*	*	سناریو F	۶		
*	*	*	*	*	*	*	*	سناریو G	۷		
*	*	*	*	*	*	*	*	سناریو H	۸		
*	*	*	*	*	*	*	*	سناریو I	۹	سناریوهای بد	
*	*	*	*	*	*	*	*	سناریو J	۱۰		
*	*	*	*	*	*	*	*	سناریو K	۱۱		
*	*	*	*	*	*	*	*	سناریو L	۱۲		
*	*	*	*	*	*	*	*	سناریو M	۱۳		
*	*	*	*	*	*	*	*	سناریو N	۱۴		
*	*	*	*	*	*	*	*	سناریو O	۱۵		
*	*	*	*	*	*	*	*	سناریو P	۱۶	سناریوهای خوب	
*	*	*	*	*	*	*	*	سناریو Q	۱۷		
*	*	*	*	*	*	*	*	سناریو R	۱۸		
*	*	*	*	*	*	*	*	سناریو S	۱۹		
*	*	*	*	*	*	*	*	سناریو T	۲۰		
*	*	*	*	*	*	*	*	سناریو U	۲۱	سناریوهای عالی	
*	*	*	*	*	*	*	*	سناریو V	۲۲		
*	*	*	*	*	*	*	*	سناریو W	۲۳		
*	*	*	*	*	*	*	*	سناریو X	۲۴		
*	*	*	*	*	*	*	*	سناریو Y	۲۵		
*	*	*	*	*	*	*	*	سناریو Z	۲۶		

پیوست‌ها

کشورهای عضو ناتو



- ۱ ایالات متحده 
- ۲ انگلیس 
- ۳ فرانسه 
- ۴ آلمان 
- ۵ ایتالیا 
- ۶ کانادا 
- ۷ ترکیه 
- ۸ اسپانیا 
- ۹ لهستان 
- ۱۰ هلند 
- ۱۱ نروژ 
- ۱۲ یونان 
- ۱۳ بلژیک 
- ۱۴ دانمارک 
- ۱۵ پرتغال 
- ۱۶ رومانی 
- ۱۷ جمهوری چک 
- ۱۸ مجارستان 
- ۱۹ جمهوری اسلواکی 
- ۲۰ بلغارستان 
- ۲۱ لیتوانی 
- ۲۲ کرواسی 
- ۲۳ استونی 
- ۲۴ لتونی 
- ۲۵ اسلوانی 
- ۲۶ لوکزامبورگ 
- ۲۷ آلبانی 

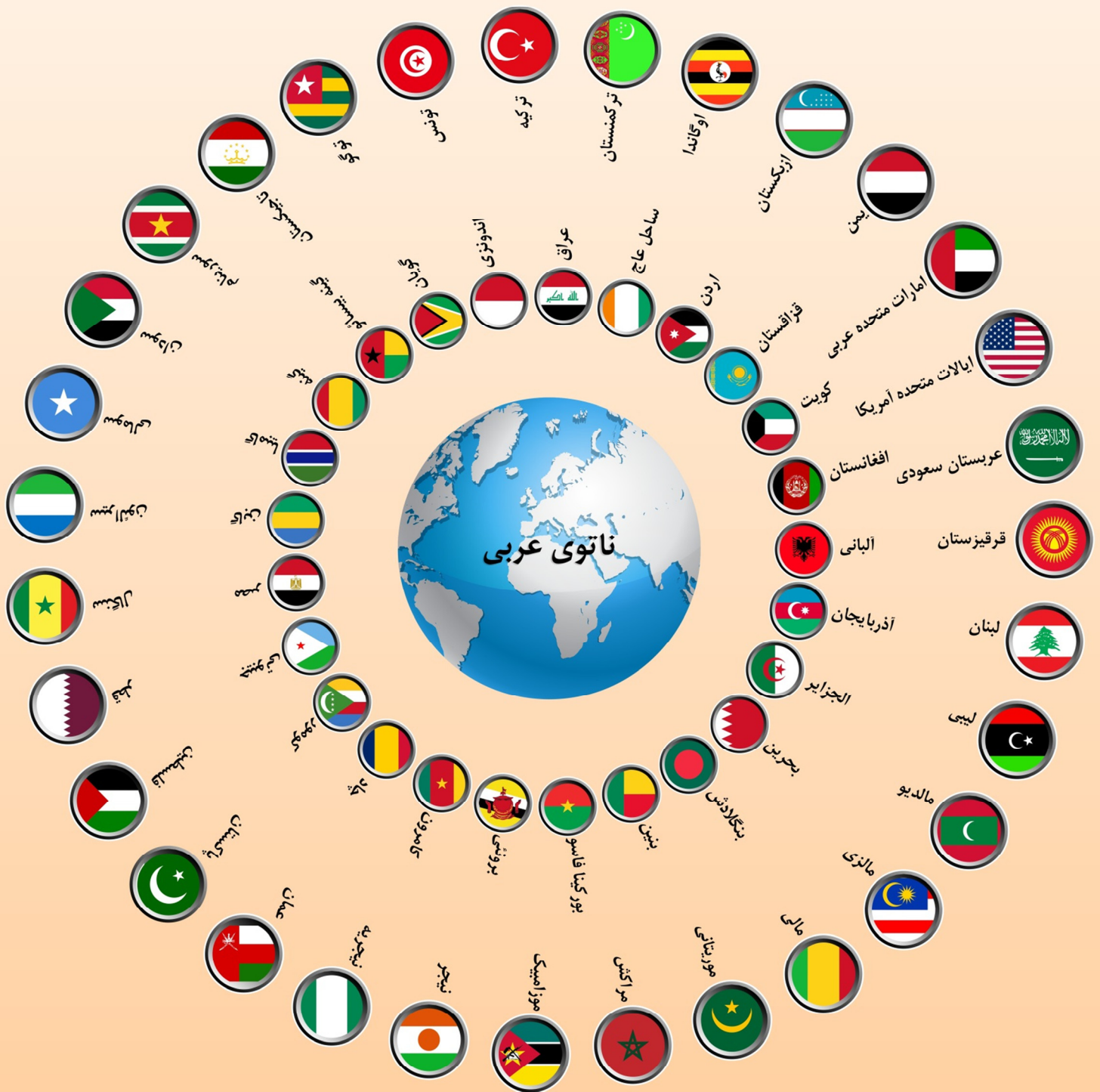


هزینه نظامی کشورهای عضو ناتو در سال ۲۰۱۶

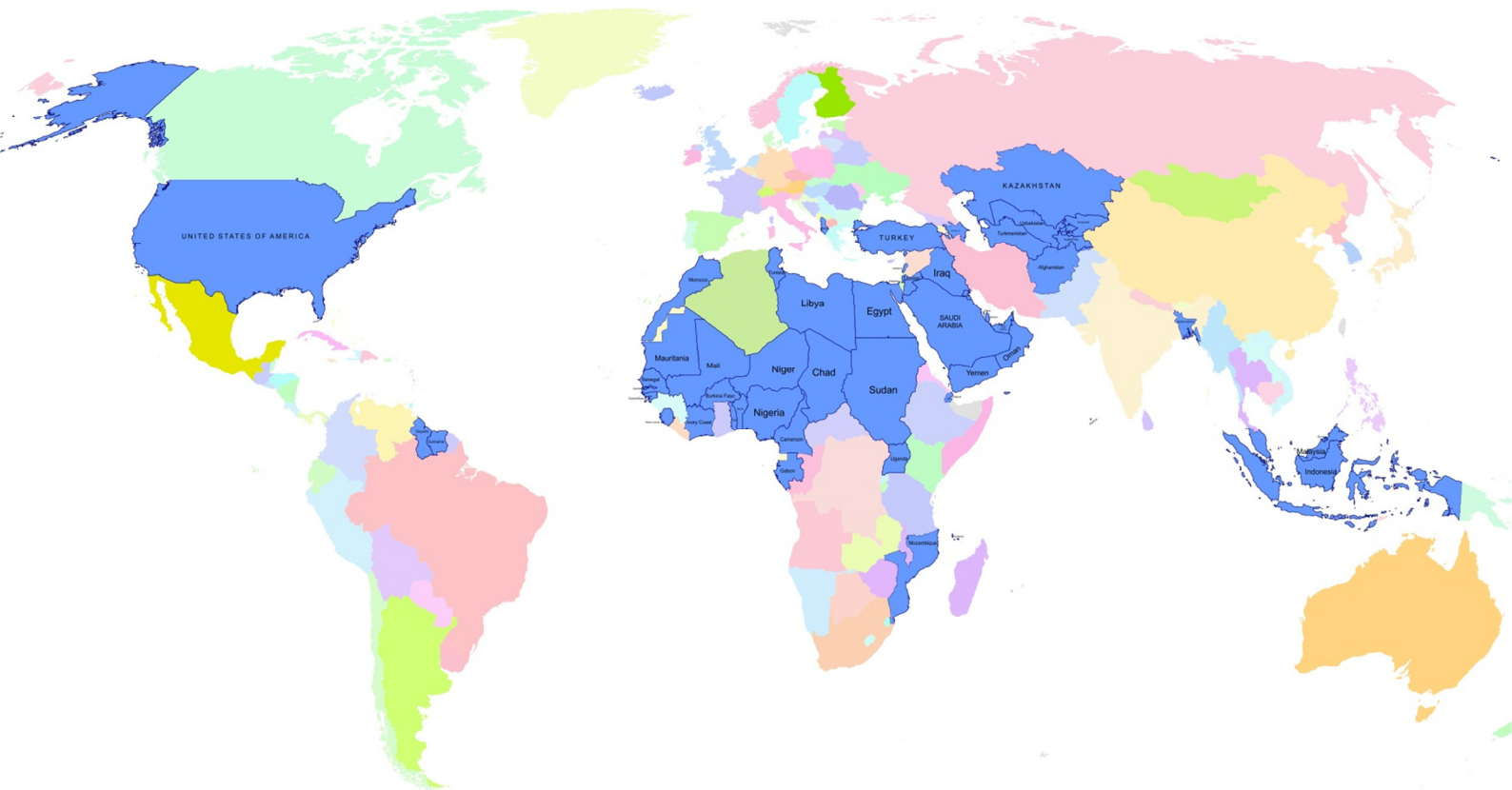


مجموع (میلیارد دلار) : ۸۱۹.۰۶

ناتوی عربی

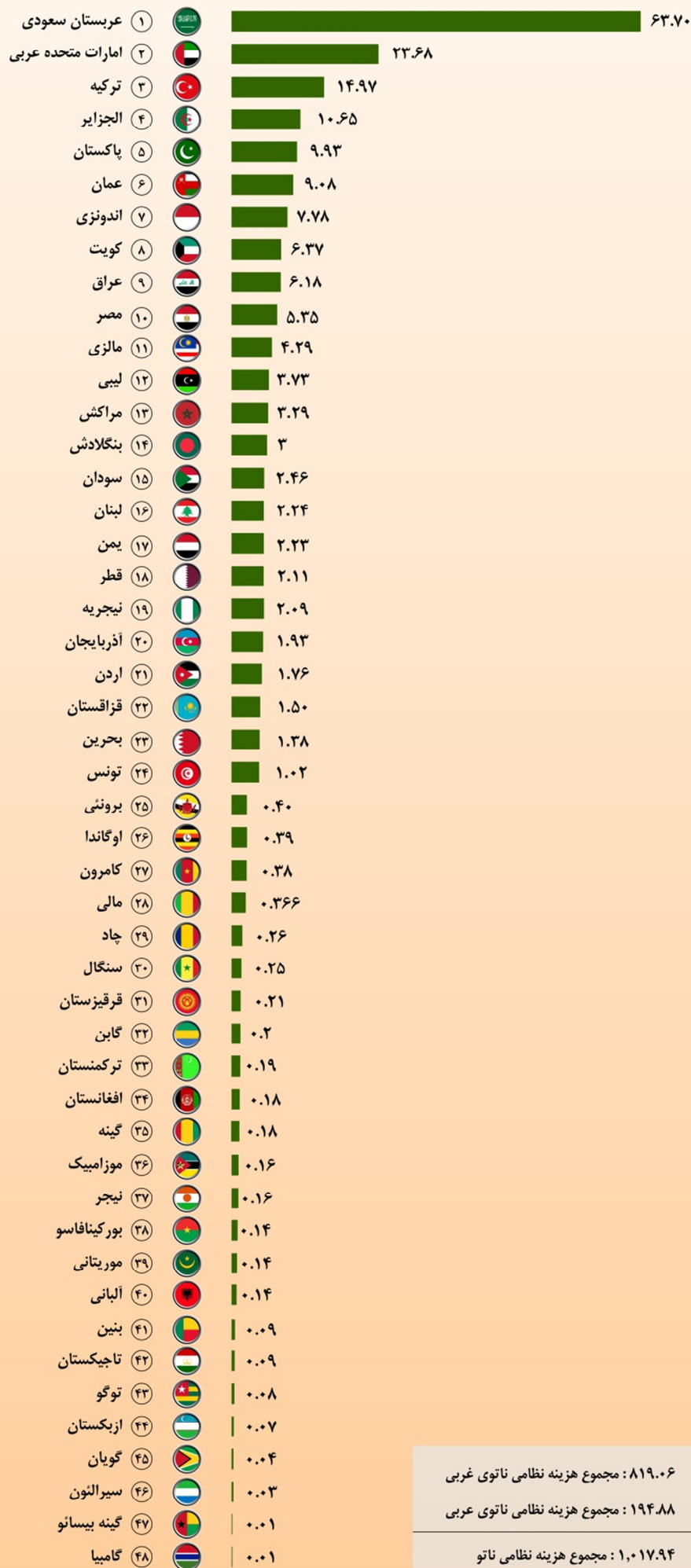


Arab Islamic American Summit 2017
Arab NATO



هزینه نظامی کشورهای عضو ناتوی غربی در سال ۲۰۱۶

میلیارد دلار



مجموع (میلیارد دلار) : ۱۹۴.۸۸

مجموع هزینه نظامی ناتوی غربی : ۸۱۹.۰۶

مجموع هزینه نظامی ناتوی غربی : ۱۹۴.۸۸

مجموع هزینه نظامی ناتو : ۱,۰۱۷.۹۴

میلیارد دلار

